

گوناگون

تفسیر تازی نامه

* ایرانی قران خوان نمیداند که چه می خواند چون او عرب نیست و تو به او یاد ندادی که قران را به فارسی بخواند تا بداند که چه میگوید:
بیایید با هم قران بخوانیم
"سوره المسد"

شکسته باد دست ابی لهب که شکسته - آنچه از دارایی او و آنچه کسب کرده - زود باشد که دراید آتش - و زن او که حمل میکند همیشه - در گردن او ریسمانی است از لیفه خرما.
حالا دقت کنید وقتی یک ایرانی مسخ شده آنرا با صدای بلند به عربی می خواند.

تبت یحیی ابی لهب و تبت - ما الخنی ننه ماله و ما کسب - و

براستی او می فهمد که چه میخواند!!!!!!!

خدایی که با جهانیان سخن میگوید محدود به ابی لهب و حل مشکل او با محمد و ریسمان گردن زن ابی لهب میشود.

توجه داشته باشید که :

(ابو لهب عموی محمد و حمالة الحطب دختر عموی محمد و یا دختر

برادر ابو لهب است که بعد ها همین زن مادر شوهر کلثوم و رقیه

میشود)

* دو آیه ضد و پشت سر هم داریم که ایرانیان بارها آنرا خوانده اند و متوجه نشده اند که ایندو ضد یکدیگرند.

"الکافرون"

بگو ای کافران- نمی پرستم آنچه شما می پرستید-

و.....- مر شماست را دین شما و مراست دین من.

"النصر"

چو آید یاری گردن خدا و فتح-.....اوست قبول کننده توبه.

یکی از این آیه ها وقتی نازل شده است که محمد به قدرت نرسیده و دیگری زمانی نازل شده که محمد مکه را فتح کرده بود .
پسر عموی محمد "ابو سفیان" که مردی پول دار بود به همراه دیگر عمو های محمد از خانه خدا "بتکده آنروز" درآمد خوبی بدست می آوردند و محمد چون بی پدر بود سهمی از کعبه نداشت برای دلجویی از او خدیجه را به عقد وی درآوردند تا از طریق دیگری پولدار شود ولی او به درآمد خانه خدایان چشم داشت بنابراین در ابتدای راه که حریف پسر عموی خود نشد به او گفت "هر که به دین خود" اما وقتی مکه را فتح کرد با شمشیری زیر گردن پسر عمویش گفت "بگو نیست خدایی جز خدای یکتا و او از ترس جانش اعتراف اسلامی کرد.

***مردم ما کوثر را فاطمه میدانند.**

توجه شما را به آیه مربوطه جلب میکنم:

**بدرستی که ما به تو کوثر دادیم- پس نمازگذار مرا و قربان کن-
بدرستی که دشمن تو اون دم بریده است.**

اول اینکه معلوم نیست این سوره به مردم جهان چه ربطی دارد و از همه بدتر مردم ایران چگونه اینرا به فاطمه نسبت می دهند. از طرفی خدا هم برای اینکه او را نماز بگذارند و بله قربان بگویند قبلا مزد آنرا میدهد نه اینکه در بهشت وعده دهد. در ضمن من که ارتباط سومین آیه را در کنار دو تای دیگر نفهمیدم شما چطور؟ مثل اینکه سومی را اشتباهی اینجا گذاشته اند! از همه بدتر اگر برای اعطای کوثر" به تصور ایرانیان فاطمه" باید به خدا جایزه نماز گزاردن داد پس چرا همان پاداش "یعنی فاطمه دشمن او می شود؟ و اگر فاطمه دشمن محمد شده چرا در آثار ایرانیان اثری از این عداوت نیست؟ همه این سوالات نشون میدن موضوع چیز دیگری است! درست فهمیدی اعراب اون زمان میگفتند محمد عقیم است و از او پستی باقی نمی ماند تا اینکه ابراهیم از ماریه زاده شد و محمد که فکر می کرد پشت دار شده از طرف خدا شروع کرد به رجز خونی و این آیه را نازل کرد ولی بخت یارش نبود و ابی مرد و چون این آیه بی صاحب شده بود ایرانیان اون را به فاطمی نسبت دادند.

***کی باید سپاسگزار خدا باشد؟ حتما خدا بیشتر میداند پس گوش**

میدهیم به آیاتی چند از قرآن.

”سوره قریش“

برای الفته به قریش - عطا کردیم کوچ کردن در زمستان و تابستان

به آنها - پس باید بپرستید خدای این خانه را - آنکه شما را سیر

کرد از گرسنگی - و از بیم نجات داد شما را.

این سوره فقط برای قبیله قریش نازل شده است و ربطی به افراد دیگر ندارد. اینجا دیگه صحبت از اختیار در دین نیست چون خدا کوچ کردن را به قریش عطا کرده و به علت تغییر خانه خدا از اورشلیم به مکه آنها را از گرسنگی نجات داده. منظور محمد از کوچ کردن کشور گشایی است که موفق هم شد در ضمن ابتدا با غارت اموال خاندانش ”ابو جهل و ابو سفیان“ و در مراحل بعدی مردم مظلوم و ذلیل ایران توانست اعراب را از گرسنگی نجات دهد هنوز هم مردم ذلیل و معصوم ایران چه در ایران و چه در اروپا و آمریکا برای رفتن به مکه در صف های طویل استعمار منتظر نوبت برای ملاقات خدا در مکه هستند! بروید تا خدا هنوز آنجا نشسته تا زنان را غلمان و مردان را حوری عطا کند .

نوش جان شما و گوارای وجود ما حوریان این دنیا که از راه صیغه به سنت محمد با آنان دمی بیساییم. این را هم محمد بر ما آموخت تا با زنان چون بردگان بنگریم و به آنها مهریه دهیم و از وجودشان به ضرب پول بهره بریم!! .

اگر این ما را خوشست پس آن شما را خوشست!

*** و اما زلزله از دیدگاه قران:**

"الزلزال"

چون زلزله آید زمین میلرزد- و بیرون می ریزد سنگینی اش را- و میگوید به انسان چه هستید- روزی چنین میگوید خبرهایش را- به اینکه خدا وحی کرده شما را. روزی که مردم پراکنده جمع میشوند تا کردار خود ببینند- پس می بیند معادل نیکی- و میبیند معادل بدی

از این سوره مهم می فهمیم اگر زلزله بیاید زمین میلرزد که خود اطلاع مهمی است! اما اینکه زمین ثقل خود را بیرون میریزد مربوط به آتشفشان است شاید محمد شاهد هر دو واقعه بوده فکر کرده اینها همیشه با هم میایند. موضوع دیگه اینست که زلزله می آید که به آدمها بگوید شما پخی نیستید یعنی واقعا زلزله منظور دیگری ندارد تا به مردم بگه بیاید بریم اون دنیا دور هم جمع شیم ببینیم که کی چیکار کرده؟ من نمی فهمم پس مردم دنیا به این آدمایی که رفتن اون دنیا دور هم جمع شوند چیکار دارند؟

*** اگر مسلمان وبا خدا هستی مثل پیامبرت قسم بخور .**

ببینیم موضوع قسم چیه؟

"سوره التین"

قسم به انجیر و زیتون- قسم به طور سینی- و این شمر امان "منظور مکه".....

من که نفهمیدم به انجیر و زیتون قسم خوردن چه ربطی به طور سینی
داره؟

"میدونی طور سینی چیه؟ حتم دارم نمیدونی ولی وقتی قران میخونی
آنچنان با آب و تاب میگی طور سینی که انگار سالها اونجا زندگی
کردی! آره طور سینی یعنی کوهی در سینا "منظور صحرای سینا" اگر
پیامبر ایرانی می بود و میگفت خدا به میدان شهیاد قسم خورده حتی
یک عرب پا برهنه موش خور حرف اونو باور نمی کرد که تو ایرونی
مدعی فرهنگ غنی همه آت و آشغالهای اونا رو پذیرفتی و تو صف و
میستی تا بری مکه!!!

"حالا قضیه قسم به مکه چیه؟"

می دونی اینهمه قسم و خالی بندی واسه چیه؟ واسه اینکه تو مدعی بی
هویت جیب عرب صحرا نشین رو پر کنی تا برات آقای کنه. راستی شما
چرا هر وقت قسم میخوری جون عمه و خاله و مامانتون میکشی وسط
اگه یک مسلمان واقعی بودی تو هم به طهران و آلبالو قسم میخوردی!
از طرفی اگه میخواستی یکی رو ارشاد کنی و تو هم مثل خدای محمد
به آلبالو و طهران قسم میخوردی بهت چی میگفتند؟ روش فکر کن؟
اگر میدونی اینجوری قسم خوردن مایع خنده است چرا اینقدر با آب و
تاب به عربی میخونی :

"والتین والزیتون - و طور سینی -آخه چرا بدون اینکه بفهمی چی
میگی پشت بلند گو داد می زنی لوزت پاره شه!. منظورم شمایی بله شما
که دکترای علوم قرانی داری! آخه اینم رشته است؟"

بقیه قسم های خدا را یاد بگیر :

قسم به مکه-قسم به طاق و جفت-قسم به صبح-قسم به شبهای دو گانه!-به آفتاب-به چاشتگاه-به ماه-به روز-به شب-آسمان-زمین-به رونده ها-بیرون آورندگان آتش از سنگ و تعداد زیاد دیگری قسم که یاد بگیری چون عمت رو قسم نخوری که حرام است.

*آقای قران دان این چیه؟

سوره "الانشراح"

آیا گشاده ز کردیم سینه ترا- و بر نداشتیم بار ترا- کسی که نقض کرد پشت ترا- و بلند کردیم ذکر ترا- پس با دشواری آسانی است

این حرفها با هم چه ربطی دارند؟ آقای دکتر علوم قرانی نمی خواد تفسیر کنی و یه مشت قصه به بافی فقط فارسیش کن.

*بابا دیگه محمد چه جوری بگه یه ناسیونالیسیته؟

"سوره البلد"

چگونه به این شهر "مکه" قسم نخورم- حال اینکه تو در آن مقیمی- نه کنه میگی منظورش از "تو" یعنی تو ایرونی هنوز در جهالت اسلام مانده است!!!!

*حقوق زن در اسلام ۱

”سوره النسا“

و اگر بترسید که عدل نورزید در یتیمان پس نکاح کنید آنچه خوش آید شما را از زنان دو سه و چهار پس اگر بترسید که عدالت نورزید پس یکی یا آنچه را مالک باشید بهتر است که میل نکنید. خانم مسلمانی که اگه بهت بگند حجاب سرت نگذار میری راه پیمایی اعتراض میکنی این اون چیزیه که میخوای؟

بینم اگه بترسی که در یتیمان عدل نورزی چه ربطی داره به اینکه بری چهار تا زن بگیری! بدبختی اینجاست که تو همین آیه دو باره میگی ”اگه بترسی که عدل نورزی پس یکی بگیر ما که نمی فهمیم چی میگی!

ای زن ایرونی می دونی وقتی میگی آنچه را مالک باشی یعنی چی؟

تو دین محمد خرید و فروش زن مرسوم بوده و هنوز هم هست به اینجور زنها میگفتند کنیز لابد میگی خوب به ما چه تو ایرون که کنیز نیست . بابا هست ما بهش میگی خودفروش .

میدونی مادر موسی کاظم یه کنیز بوده! میدونی اسم اون کنیز ام حبیبه است. میدونی ام حبیبه ایرونی بوده ! میدونی هزارون هزار از شما زنان ایران رو اعراب به یغما برده اند و به عنوان کنیز به هم فروخته اند. چون قبلا محمد فروش شما را مجاز کرده!

وقتی زن ایرونی هنوز دنبال مهریه میگرده یعنی چی ؟لابد از اینکه می فروشنش خوشش میاد! میدونی مهریه چیه؟ بریم تو قران.....

النساء آیه ۴

و آتوا النساء صدقاتهن

"صدقه به معنی مهر ترجمه شده" و بدهید زنان را مهرشان را

آیه ۲۹ و اتوهن اجورهن ...

اجور به معنی مهر ترجمه شده " و بدهید ایشان را مهرشان ...ولی در قران منظور پولی است که به یک فاحشه داده می شود میگی نه ! خوب گوش کن به کل آیه.

و آنکه استطاعت ندارد زن آزاده ایمان دار بگیرد پس مالک شود از کنیزانتان که ایمان دارند و خدا دانایتر است به ایمان بعضی بر بعضی پس بزنی بخواهید آنها را به رخصت صاحبانش و بدهید اجورهن "در واقع یعنی مزدش"

ولی واسه تو ترجمه کردند مهرش .یه خورده فکر کن ببین دنبال چی هستی؟ از صاحب کنیز اجازه بگیر بعد با کنیز حال کن بعد پولشو بده! تو ایرانی واقعا دنبال مزد و صدقه هستی؟

آیه ۳۰ فاذا احسن فان اتین بفاحشه فعليمن نصفه ما علي المصنات من العذاب... من العذاب...

معنیش اینه که اگه کنیزی خریدی و رفت با مرد دیگری هم معاشقه کرد عذابش نصف زن بدون مالکه! البته این برای زنانی که از تن فروشی امرار معاش می کنند امتیاز خوبی است و به خاطر این امتیاز حتما به صف طرفداران حجاب پیوندید.

آیه ۳۸ الرجال قوامون لعلی النساء واللاتی

تخافون واضربوهن

معنیش اینه که مردان فرمانروایان زنان اند و و اگر بترسید که

نافرمانی کنند پس بزنیدهان!

ای خانم ایرونی و خانم فرنگی که دنبال حجاب میگردی و تو فرانسه

شر به پا میکنی میخوای مثل این آیه باهات رفتار شه که دنبال اسلام

میری؟ دلت کتک میخواد؟ میدونی از دید اسلام تو هیچی نیستی؟ چرا

قوانین دنیای متمدن رو ول میکنی دنبال این مزخرفات میری؟ آگه

واقعا این دستورات را می پسندی به نفع مردهاست پس اونا میتوانند

زنی که حرف گوش نمیده رو به فرمان خدا بزنند تا دندش نرم شه!

وقتی خدا میگه "

آیه ۴۴ سوره کهف : المال والبنون زینة الحیوة الدنیا

یعنی " ثروت و پسران آرایش زندگانی دنیا هستند " نمیدونم من چرا

باید کاسه داغ تر از آش بشم و بگم خانم بیدار شو! تو از دید خدا حتی

زینت دنیا هم نیستی! یه کالایی که بهت مزد و صدقه میدن.

میدونی آگه عقدت کنند ولی بهت دست نزنند چی گیرت میاد؟

آیه ۴۸ سوره الاحزاب "

" ای کسانی که ایمان آوردید وقتی با یک زن مومن از دواج

کردی و او را طلاق دادی قبل از اینکه به او دست بزنی پس

هیچ عده نیست پس متاعی دهید او را و رهاش کنید.

یعنی خانم هری...

خانم ایرونی می‌خواهی صفت امراه مومنه بگیری؟ راهش اینه که از آیه زیر پیروی کنی :

ای نبی جفتهایی برایت حلال کردم که مهر آنها را دادی و زنانی را که خریدی و آنچه را که غنیمت گرفتی همچنین دختر همه هات و دختر خاله هات و آنان که با تو هجرت کردند و زنانی که خودشان را به تو می‌بخشند " امراه مومنه "

به این ترتیب پنج گروه زن بر مرد حلال است اول آنانکه صدقه (مهر) میگیرند - دوم آنانکه معامله (پولی) می‌شوند - سوم آنانکه در جنگ به غنیمت (زوری) صاحب آنها می‌شوی - چهارم فامیلهایی (دم دستی ها) که تو سفر همراهتند - پنجم آنانکه مجانی (مومنه سوپر دولوکس) حال می‌دهند.

شما می‌خواهید یک ایرانی اصیل باشید یا یکی از اینها؟

*حقوق زن در اسلام ۲

احترام دیگری که محمد برای زنان قائل شده این است که میگویند او به اعراب زمان خودش گفته دخترهایتان را خاک نکنید بلکه آنها را زنده زنده در حجله به بهشت بفرستید(مثل کشته شدن رقیه و کلثوم در حجله).

اگر اعراب همه دخترها یشان را خاک می کرده اند پس محمد را چه کسی زاییده؟ و چه کسی به او شیر داده!

"البته حلیمه مادر رضایی او مدعی شده وقتی محمد دنیا اومد آنقدر وجودش پر برکت بوده که همه جانورها مثل اسبان و شتران و سوسک و مگس و پشه شیر دار شدند الا مادر خودش و چون تا رسیدن حلیمه بچه بی شیر میموند خدا امر کرد و در پستان عموش شیر گذاشت.

(منتهی الامال صفحه ۲۶ خط هشتم نوشته حاج شیخ عباس قمی)
ظاهرا یا عموی ایشان "شی میل" بوده اند که می توانسته به بچه برادرش شیر بده و یا خدا قادر نبوده در پستان مادرش شیر قرار بده تا عمویش به این بلا گرفتار نشود.

* و اما حقوق یکسانی که اسلام برای زنان در توزیع ارثیه قائل شده
آنقدر عالانه است که واقعا حیف است زنان ایرانی دست از اسلام بشویند!!!

سوره النسا از آیه ۱۲

خدا وصیت میکند شما را در اولادتان از برای مذکر مانند بهره دو مؤنث پس اگر باشند زنان فوق دو تا پس از برای آنهاست دو ثلث باقیمانده.

نتیجه این آیه شریفه که از حقوق یکسان دختران و پسران سرچشمه گرفته این است که آنچه از ارث به مردان تعلق میگیرد دو برابر زنان است!! این را خدا به عنوان کلید توزیع ارثیه به بندگان خود آموزش میدهد اما وقتی مثالی میآورد که آموزش را کامل کند میگوید با وجود دو زن و یک مرد سهم دختران دو ثلث باقیمانده است حال با توجه به اینکه سهم هر دو تا زن معادل یک مرد است پس سهم پسرک میشود نصف از مال و نصفه دیگر به دختران تعلق دارد که دو سوم باقیمانده مال میشود دو از شیش یعنی سهم هر دختر یک از شش است حال اگر دو تا یک از شش را با سهم پسرک جمع کنید به عدد پنج از شش میرسید!!! و اما اگر فرض کنید دو از شش سهم هر دختر است بنابر این کل مال میشود هفت از شش!!! حالا اگر از دیدگاه اندیشمندان علوم قرآنی به مسئله نگاه کنیم باید فرض کرد سهم دختران میشود دو از شش و هر دختر یک از سه سهم میبرند به این ترتیب سهم پسرک هم یک سوم است اما این نگاه هم با قسمت اول آیه که کلید حل مسائل ارثیه است جور در نیاید مگر بپذیرید که محمد و یا خدا ساختگی او ریاضیات کسرها را بلد نبوده اند و یا قسمت آخر آیه را به شرح زیر تغییر دهیم:

..... و از برای هر مونث یک چهارم از مال...

قضیه تقسیم ارث و راهنمایی های نا بخردانه !!! محمد بدینجا ختم نمیشود :
و اگر باشد یکی پس از برای اوست نصف و مر والدینش را از برای هر
یک از ایشان شش یک از آنچه باقیمانده اگر باشد مرورا فرزندى پس اگر
نباشد فرزندى

(فکر کنم اینجا تب داشته و هزیون میگفته)

سوره النسا از آیه ۱۳

و مر شمار است نیمه آنچه را گذاشتند جفتهای شما اگر نباشد
فرزندى پس اگر باشد فرزندى پس مر شمار است ربع.
(در قران منظور از جفت یعنی زن که طبق این آیه سهم زن هشت یک
نیست)..

سوره النسا از آیه ۱۴

و از برای آنهاست چهار يك از ارثه اگر نباشد مر شما را فرزندى
(قبلا گفته بود اگر فرزندى نباشد سهم زن نصفه ولی اینجا حرفشو پس
گرفت!)

پس اگر باشد فرزندى پس از برای آنهاست هشت يك

سوره النسا از آیه ۱۵

و اگر باشد مردى که میراث برد از کلاله و یا زنى و مر او را باشد
برادر و خواهرى پس برای هر يك از اندوست شش يك
(اینجا سهم پسر و دختر مساوی میشه)

و اگر بیشتر باشند پس ایشان انبازاند در سه يك!
(یعنی اگر چهار تا بشند چهارمی باید سماق بمیکد چون محمد نمی دانسته که چهار تا یک سوم از یک بیشتر می شود!.....
یه خورده فکر کن ببین چند تا تناقض تو این آیات می بینی؟
هر چند فایده ای ندارد و باید بری از آخوند ها کمک بگیری! چون تو فقط حرف اونها رو قبول داری! به هر حال اونی که اجرا میشه اینه که به تو نصف مرد میدن اگر هم کشته شی دیه ات نصف مرد هاست از همه بدتر قیمتت از بیضه چپ مردها هم کمتره. "قانون قصاص جمهوری اسلامی ایران".

* میدونم این حرفا با این سادگیها تو گوشت نمیره عیب نداره باز هم برو تو خیابانها و سر حجاب شر به پا کن واز حجاب دفاع کن بدون آنکه از فلسفه حجاب در اسلام مطلع باشی! محمد بعد از ۱۸ سال از رسالتش یادش میافته که پیروان اناسش حجاب ندارند و واسه شما ها این آیات را نازل میکنه خوب حال کن!
"سوره الاحزاب آیه ۵۹"

ای نبی بگو مر جفتهایت و دخترانیت و زنان ایمان آورده که
فروپوشند بر خود از لباسهای گشاد
(برات ترجمه کردند چادر).....

موضوع این استکه پیش قراولان اسلام کنیزکان و بردگان بی سرپرست بودند که لباس نمی پوشیدند تا مشتری بتواند روی آنها قیمت بگذارد. شبها که کنیزکان برای قضای حاجت (دستشویی) بیرون می رفتند

مردان به آنها ناخنک می زدند. آمدند پیش محمد موضوع را گفتند و ایشان این آیه را نازل فرمودند

" خودتان را بپوشانید تا از زنان آزاد به شناخته نشوید."

اگر این آیه علت عشق و علاقه شما به حجاب است که گناهی ندارید و معنیش اینست که تو خیابونهای فرانسه شبها به شما هم انگولک می رسوندند که اینطور مشتاقانه دنبال حجاب افتادید!

ولی ای خانم ایرانی تو وضعیت فرق میکنی تو عرب نیستی من هم عرب نیستم ما فرهنگ والایی داریم من باور دارم که تو نصف مرد نیستی هیچی از مرد کم نداری تو نصف خالق بشری همانطور که نصفه دیگه تو قادر به خلق انسان نیست ما با هم قادر به خلق بشریت هستیم. اینو دیگه محمد هم معترف شده!

"سوره النسا آیه اول"

..... که آفرید شما را از يك تن و آفرید از آن جفت او را و

پراکنده کرد از نسل آندو مردان و زنان

"الانبیا آیه ۳۱"

..... و از آب همه چیز را ساختیم

"القیمة آیه ۳۷ و ۳۸ و ۳۹"

آیا نبود نطفه از منی که ریخته شود- پس بود خون بسته پس آفرید

پس راسته کرد- پس گردانید از آن دو جفت مذکر و مؤنث .

"سوره العلق آیه ۲"

انسان را از خون بسته آفریدم

مثل اینکه محمد در موضوع خلقت انسان بد جوری قاط زده - یه بار میگه ما "آدم" رو خلق کردیم (نه از نطفه بلکه از قاعده کن فیکون) بعد جفت او را از تن آدم ساختیم (تولید ژنتیکی ظاهرا کن فیکون یادش رفته)! اسم حوا رو هم اصلا نمیاره . یه جای دیگه میگه ما همه چیز را از آب آفریدیم (فرضیه داروین) و جای دیگه میگه نطفه از منی بسته میشه و موضوع جنین و تولید مثل فعلی که نیازی به خدا نداره و همون قضیه ایست که گفتم محمد هم معترفه .

به عبارت دیگر خلقت به اون شکل نبوده که آدم و حوایی بیایند و انسانها را خلق کنند. اگر آخرین مورد درست باشه (العلق) معنیش اینه که اول خدا خون را ساخته بعد اونو بسته بعد الزاما باید حوا را می ساخته (از روش کن فیکون) تا این جنین تو رحم حوا رشد کنه بنابراین یعنی آدم را بعد از حوا ساخته! (همان قضیه که اول مرغ اومده یا تخم مرغ). حالا اینهمه دردسر را خدا به خودش و ما داده واسه چی؟

"سوره الذاریات ۵۶"

نیافریدیم جن و انسان را مگر برای عبادت

بابا روتو برم این دیگه چه قدر خود خواه است که جن و انسان رو فقط واسه این ساخته که عبادتشو کنند. نکنه این مهندسین ژنتیک هم کمبود احترام داشته باشند شاید به همین علت آقای ژاک ژیراک با ژنتیک مخالفه؟ بد نیست یه گریزی هم به سیاست بزنیم.

آقای ژیراک ما نفهمیدیم شما متدین هستید یا مثل ما حرحری مذهب؟ اگه دین و ایمان داری که بگذار این وامونده های تاریخ سرشون روسری کنند تا یه حادثه مثل ۱۱ سپتامبر از نوع عقیدتی برات پیاده کنند! اگر نیستی پس چرا با بوش برای اصلاح جامعه بشری همراهی نمی کنی؟ البته روزی با بوش همکاری کن که رفتن به مراسم افطاری مسلمین را ترک کنه و ادا و اطفاها ی انگلیسی ها رو در نیاره. انگلیسی ها در استحمار بشریت ید طولایی دارند و برای موازنه قدرت ها مشغول حمایت و ایجاد یک تشکیلات بزرگ اسلامی در شرق هستند. ولی اگر به پرورش تروریست ها ادامه بدهند در آینده ای نه چندان دور برق شمشیر ذوالفقار رو در خیابانها و متروی لندن زیارت خواهند کرد منتها ایندفعه با سلاح اتمی به نام "یا حسین" که از آستین جمهوری اسلامی ایران بیرون خواهد آمد. حالا هی بگید صدام هم سلاح کشتار جمعی نداشت! اگه نداشته پس اینهمه ایرانی که هنوز به علت سلاح های کشتار جمعی می میرند واسه چیه؟ یک کلام اعتراف کنید که ما (انگلیس و آلمان) به ایران و عراق سلاح شیمیایی فروختیم و حالا اونا رو پیدا نمی کنیم. هیچ وقت هم پیدا نخواهید کرد چون ممکنه صدام در آخرای حکومتش اونا رو به جمهوری اسلامی داده باشد!

*حقوق زن در اسلام ۳

خانم ایرانی می‌خواهی کشتزار مردت باشی یا یک پاشریک زندگی؟
می‌خواهی تو حرمسرای مردت یه خاتون باشی یا دوست داری همسنگ
مردت آینده بشریت را اصلاح کنی؟ لابد می‌پرسی این سوالات واسه
چییه؟ پس گوش کن به این آیه:

"سوره البقره آیه ۲۲۳"

زنان شما کشتزار شمایند پس هر جا و هر وقت خواستید به کشتزار
خود بروید.

خوب دقت کن در اسلام اصل بر این است که از زنان یک مرد صحبت
شود نه از یک زن! وای بر آنروز که در یک مهمانی رسمی مردت اراده
کند که به کشتزار خود رود آنوقت باید مصیبت زهرا را بخونی!
تنها راهی که می‌تونی به غیر از شوهر با مرد دیگری همبستر شویدی و
سنگسار نشوی اینجوری است که از او بخواهی شما را سه طلاقه کنه و
بعد دوباره برگردی خونت! ببین تو قرن ژنتیک از چه فرامین وامونده
ای باید اطاعت کنی!

"سوره البقره آیه ۲۳۰"

پس اگر طلاق دهدش پس حلال نمیشود مر او را پس از سه طلاق تا
به نکاح دراید شوهری غیر از او پس اگر طلاق دهد شوهر دوم
پس نیست گناهی که باز گردند.

من که تحلیلی بر این ندارم که چرا آقا گفته سه طلاق! حالا سه طلاق یا بیشتر یا کمتر فرقی نمیکند ولی از این آیه یه بو بیشتر حس نمیشه و اونم قوانین من درآوردی جغتای خان مغول است .
اینهارو یاد بگیر ولی عمل نکن باز برو مکه و قران رو بلند بلند بخوان و بر محمد و آل عربش درود فرست تا از غافله مسلمین عقب نیفتی!
مبادا اون دنیا ببرندت جهنم و فرصت همبستری با غلمان رو از دست بدی! به هر حال اگر به غیر از روش محل رفتی با یکی دیگه همبستر شدی تو این آیه مکافاتت چنین است .

”النسا آیه ۱۹“

و اناکه کنند کار بدی (الفاحشه) از زنانان پس گواه طلبید چهار تا از شما پس اگر شهادت دادند در خانه نگاه داریدشان تا بمیرند .
به این ترتیب مردان باید یک زندان انفرادی هنگام ساخت منزل پیش بینی کنند تا در صورت وقوع جرم ”خاطی را در زندان نگهداری کنند!
قانون فقط قانون یاسای چنگیزی .

گمان کنم با این فرامین چنگیز هم در برابر محمد رو سفید شود.

”النور آیه ۲“

زن زناکار و مرد زناکار پس بزنید هر يك صد تازیانه
فحشا به معنی زنا هم هست که در آیه قبلی خطا کار باید در زندان انفرادی مردش تا زمان مرگ حبس میشد ولی در این آیه باید صد ضربه شلاق هم مصرف شود . اگه یه ذره صبر داشته باشید جای دیگر مکافات عمل زنا به سنگسار ختم خواهد شد .

و اما اگر مردی نسبت زنا به زنش داد و چهار شاهد نیاورد باید هشتاد ضربه شلاق نوش جان کند اما بازم یه آیه دیگری هست اینو نقض میکنه!

"النور آیه ۶ و ۷"

و آنانکه نسبت زنا دادند به جفتهایشان و نباشد مر ایشان را شهادتی مگر خودهاشان پس گواهی بکیشان چهار شهادت به خداست۷) و پنجمین آنکه لعنت خدا بر او اگر باشد از دروغگویان .

اگر آیه ششم که انزمان هم واسه پارتی دارها اجرا میشده را قبول کنیم آنوقت نمیدونیم آیه هفتم این وسط چی میگه؟ اینجا دیگه دکتر علوم قرانی از انگلیس رو میخواند!

*اگه میخوای گرفتار این مکافات ها نشوی پس برو تو صف طرفداران حجاب از نوع اسلام ناب محمدی :

"النور آیه ۳۱"

و بگو مر زنان با ایمان را که فرو گیرند دیده هاشانرا و نگاه دارند عورتهاشانرا و ظاهر نسازند پیرایه خود را مگر آنچه آشکار آمد از ان و باید فرو گذارند مقنعه هاشانرا بر گردن هاشان

در آیه قبلی کافی بود روپوش بیوشی ولی اینجا وضع فرق می کنه ! طبق این آیه پوشش اسلامی شامل موارد زیر است :
(۱) یه پارچه ضخیم روی چشم به نحوی که زن نتواند جایی را ببیند.

۲) لباسی که عورت آنها را نگاه دارد به نحوی که بزرگ آنها معلوم نشود.
اگرچه مقدار از بزرگ هم پیدا شد منعی ندارد.

۳) یک مقنعه بندازید دور گردنتون. (یعنی با موهاتون کاری ندارند).
خلاصه اگر این کارها را کردی مردت یک لقمه نان میگذارد جلوت و اگر
نکردی و دنبال مال دنیا رفتی آنوقت محمد فرموده :
"سوره الاحزاب آیه ۲۸"

ای پیغمبر بگو مر زنانک را اگر زندگانی دنیا و پیرایه های آنرا
میخواهید پس بیایید سرمایه دهم شما را و رها کنم شما را رها
کردنی زیبا.

پیش بینی هم شده که زنان بهتری هم نصیب مردان میشود.
می پرسى شاهد م کیه ؟ معلومه :
"الملك آیه ۵"

شاید پروردگارش اگر طلاق دهد شما را که بدل دهد او را جنت
هایی بهتر از شما زنان مسلمان و مومن و فرمانبردار نادرشیزه
و دوشیزه

ای خانم عزیز تا چه اندازه می خواهی تحقیر شوی تا دست از این
اعتقادات پوسیده ات برداری؟ من که میدونم حتی با دیدن این آیات
در قران بازم نمی تونی خودت را نجات بدی پس اقلای فرزندت را وادار
نکن تا از تو در این موارد پیروی کند .

حقوق زن در اسلام ۴

خانم ایرانی قضیه بی احترامی به زنان فقط محدود به آیات در قران نیست چون مسلمین سنت و اجماع را هم ار ارکان دین میشناسند .
بین در سنت برات چقدر احترام قائل شده اند:

"حلیه المتقین فصل ششم"

نقل است از محمد که زنی نزد او رفت و پرسید حق شوهر بر زن چیست ؟
محمد فرمود زیاده از انست که بتوان گفت.از جمله آنست که روزه سنت
بی رخصت او نگیرد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود و خود را بزرگ
کند و هر بامداد و شام خود را بر او عرضه کند که اگر اراده جماع کند ابا
نکند حتی بر پشت شتران.هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد و اگر
بدهد گناهِش برای زن و ثوابش برای شوهر است

زن گفت هر چند شوهر بر او ظلم کرده باشد؟
محمد فرمود آری. آنزن گفت قسم میخورم که شوهر نکنم.

نقل است از باقر یا جعفر صادق که :

حق تعالی برای زنان غیرت جایز نداشته و از برای مردان غیرت قرارداده
است زیرا که از برای مردان چهار زن و از متعه (صیغه) و کنیز آنچه
خواهد حلال گردانیده و از برای زن یک شوهر و اگر شوهر دیگری طلب
کند نزد خدا زناکار است....

نقل است از محمد که :

زنان را در بالا خانه جا ندهید و به آنها سواد نیاموزید و سوره یوسف را به
او تعلیم ندهید و به او خیاطی بیاموزید

لابد می‌پرسی مگه تو سوره یوسف چه آیاتی اومده که زنان باید انرا یاد بگیرند؟

هول نشو اونجا هم چیزی به نفع تو نیست . بازم یه مشت چرت پرت دیگست علیه تو در زمینه مکر زنان .

میدونی اینجوری که در قران و احادیث اومده همه چیز به نفع مرد هاست حالا چرا تو دنبال این فرقه مرد سالار اوفتادی معلوم نیست؟ میدونی یکی دیگه از ارکان دین عقل است اگه کسی میخواد سه رکن دیگر را بچسبد بهتر عقل رو فراموش کنه ولی اگه قرار باشه از عقل هم کمک بگیره دیگه باید سه تا رکن دیگررا کنار بگذارد.
بازم میگی نه ! بگو کجای این آیه و وعده های خدا عاقلانه است؟
"سوره ۱۷۹ از آیه ۳۰"

بدرستی که پرهیزکاران را جای گامیابی است. بانها و انگور ها . و دختران نار پستان هم سن . و جامه های شرابه .
در این آیات از پاداشی صحبت میشود که مصرف آنرا محمد در دنیای ماده حرام کرده بعبارتی مزد امتناع از حرام محمد همان حرام است از طرف دیگر اگر پاداش در دنیای باصطلاح ماورا طبیعت نیز از جنس ماده است پس چه فرقی بین این دو دنیاست؟ ضمن اینکه موجود غیر مادی (باصطلاح روح) که در عالم ماورا زندگی میکند نیازمند نیست که بتواند بهره ای از التذاهای عالم ماده ببرد.
اینجوریست که اگر عقل بکار افتد تسلیم ارکان دین نمیشود که هم عمر و هم پولش را در راه مکه هزینه کند.

*قوانین کیفری و جزا در اسلام

بیچاره ترین مردم دنیا آنهایی هستند که مجبورند در کشورهای اسلامی با قوانین اسلامی بسازند. میگی منظورت چیه پس قوانین بر برها را بخوان:

"ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی"

زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتا حرام است گرچه در دبر باشد در غیر موارد وطی به شبهه ای ایرانی مدعی فرهنگ چند هزار ساله این متن برای تو ننگ نیست؟ مگر تو عربی که میباید برات اینهمه واژه عربی بیافند؟ ازسوی دیگر از این قانون فهمیده میشود پس جماع با زنانی که بر شما محرمند زنا نیست. حالا گوش کن!

"از باقر یا صادق"

مردی که با محرم خود زنا کند گردن او با شمشیر زده میشود تا قطع کند. همچنین زن نیز اگر با رضایت این کار را کرده باشد با شمشیر زده میشود تا هر جا فرو رود.

"ماده ۸۳"

حد زنا قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن نیست.

الف) زنا با محارم نسبی

ب) زنا با زن پدر

ج) زنا با غیر مسلمان با مسلمان (بر عکسش زنا نیست)

د) زنا به عنف واکراه
میدونم معنی خیلی از این حرف های مزخرف را نمیدونی. این عیب
نیست که این آت و آشغالهای اعراب را ندونی ولی یه واژه نامه برات
مینویسم تا این حرف هارا بفهمی.

واژه نامه:

محسن یعنی زن دار

عنف و اکراه یعنی بدون اراده حتی با دارو یا هیپنوتیزم.

دبر یعنی پشت-عقب

وطی به شبهه یعنی جماع در حالت مشکوک به رابطه مشروع به
این ترتیب زنا محدود به جماع با زن ذاتا نامحرم نیست و اساسا
مشکل اینها محرم بودن یا نامحرم بودن نیست چرا که زنان محرم
هم مشمول حکم کلی آقایان هستند. به این ترتیب تعریف اساتید و
علمای گوسفند نشان جمهوری اسلامی از زنا غلط بوده و نهایتها از
این تعاریف آبکی فهمیده میشود که فقط در موارد زیر حکم اعدام بر
شما جاری نمیشود.

۱) آخوندی قبلا مزد جماع را گرفته باشد. (بهش میگوید عقد).

۲) زن ملک شما باشد مثل کنیز و خود فروش

۳) زن غنیمت جنگی باشد.

۴) زن کافر باشد و مرد مسلمان.

وای به حال مرد نامسلمانی که با زن مسلمان ازدواج کند! که طبق
این قوانین مشمول زنا شده و سگسار خواهد شد.

کجاست اون حقوق بشری که میگه مسولین کشورهای اسلامی آدم هستند.

*بدبختی اینجاست که سالهاست بین علمای عظیم الجثه سر محل دخول دعواست و هنوز هم با هم کنار نیامده اند.

"صفحه ۴۶ شرح قوانین مجازات اسلامی دکتر زراعت"

ماده ۶۳ تصریح دارد برای تحقق زنا تفاوتی ندارد که آلت تناسلی مرد داخل جلو زن شود یا عقب اما فقها در این مسئله اختلاف نظر دارند و گروه زیادی از ایشان زنا را در صورتی محقق میدانند که آلت مرد داخل جلوی زن شود. از طرفی ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی میگوید اگر مردی زنی را مس نکند و او را طلاق دهد باید نصف مهر او را بدهد (مطابق قرآن نیست) ولی اگر از عقب دخول کرده باشد باید تمام مهر را بدهد.

از طرف دیگر چون دخول از عقب مشمول قواعد لواط میشود و طبق ماده ۱۰۸ قوانین مجازات اسلامی لواط به معنی وطی انسان مذکر است بنابر این بین علما و فقها و اندیشمندان اسلامی اختلاف نظر میافتد. ببینیم قرآن چی میگه :

آیات ۷۹ و ۸۰ سوره اعراف و ۵۴ و ۵۵ سوره نمل

و یاد کن لوط را هنگامی که گفت قومش را آیا میکنید کارزشته که هیچ يك از جهانیان قبل از شما آنرا نکرده. بدرستی که شما هر آینه مردان را میآیید از روی شهوت نه زنان بلکه شما اسرافه کارانین .

سوره نمل هم مشابه است(ظاهرا جرم فقط اسراف است نه رجم).
مهم اینه که در این اختلاف جای نگرانی نیست! برای اینکه فارغ
التحصیل بعدی از دانشگاه علوم قرآنی انگلیس که لقب آیت الله گرفت
میاد یه فتوی فقط بر وقوع اسراف میده و آنجاست که همه علمای
اعلام باید علمشون را غلاف کنند و برند حمام یخ بیارند.
حالا کی باید جوابگوی اینهمه انسانهایی که بدست جنایتکاران
اسلامی کشته میشوند باشد معلوم نیست!

از جعفر صادق پرسیدند علت حرمت لواط چیست؟ امام پاسخ دادند:
"اگر جماع با مردان مجاز میشد مردان به سراغ زنان نمیرفتند و فرج
آنها تعطیل میشد.

مثل اینکه ایشان هم از قوم لوط بوده اند بدجوری نتیجه گیری کرده
اند!

چه کسی باید جلوی این قوانین ضد حقوق بشر بایستد! چه کسی باید
مانع از سگسار زنان و مردانی شود که به علت عشق و علاقه به یکدیگر
مجازات اسلامی میشوند؟! چه کسی باید به ظلمی که توسط حکام
جوامع اسلامی بر مسلمین می شود خاتمه دهد؟! هرچند مسلمین از
عقل خود برای تحلیل ارکان دین استفاده نمی کنند ولی به هر حال
آنها هم بشر هستند و یکی باید از آنها حمایت کند.

آقای کوفی عنان که بر مصدر والاترین جایگاه سازمانی به نام حقوق
بشر تکیه زدی تو هم در قتلهای مسلمین شریکی مگر به این قوانین
خاتمه دهی .

قران را به زبان مادری بخوانید تا معنی آنرا خوب درک کنید.

*قران و فلسفه خلقت ۱

بد شانس ترین مردم دنیا آنهایی هستند که مجبورند در کشورهای اسلامی زندگی کنند و شنونده اظهارات سخنوران وامونده تاریخ در چارچوب فلسفه اسلام برای پاسخگویی به مجهولات بشر باشند.

اندیشمندان زیادی در طول تاریخ بشر آمده اند که شما هم خیلی از آنها را میشناسید. هر یک از آنها تلاش کرده اند تا به نحوی فرضیات خود را در چگونگی خلقت جهان و انسان بیان کنند. ولی با تاسف باید بگم اکثر آنها در برابر سوالات یک بچه چند ساله هم عاجز ماندند.

به چند سوال زیر توجه کنید:

آسمان تا کجاست؟ یا حد آسمان کجاست؟

جهان چگونه هست شد؟

بشر چگونه هست شد؟

چرا هست شدیم؟

مرگ چیست؟

خدا چیست؟

آیا زمان مخلوق است؟

در این شماره میخواهم به بخشی این سوالات پاسخ دهم ولی چون عطاری محمد پر مشتری تر است اول از زبان او میشنویم.

"سوره بقره از آیه ۲۸"

خدا به فرشته ها گفت من در زمین خلیفه خلق کردم گفتند می
آفرینی در آن کسیرا که فساد کند در آن و بریزد خونها و ما او
را تسبیح کنیم آموخت به آدم همه اسما را و
گفت ای آدم خبر ده ایشان را به نامهایشان

پس فرشتگان سجده کردند آدم را مگر ابلیس و ابا کرد و
گفتیم ای آدم با جفتت در بهشت آرام گیر و و نباید
نزدیک شوید این درخت را که از ستمکاران خواهید شد.

"سوره الاعراف از آیه ۱۱"

خدا به شیطان گفت چرا سجده آدم نکردی ابلیس گفت مرا از
آتش آفریدی و آدم را از گل ظلمانی (در شماره های قبلی
این نوع روش را در تولید آدم نداشتیم)

"سوره الحجر از آیه ۲۵"

و به تحقیق که آفریدیم انسان را از گل خشک شده از لای ریخته
شده و دمیدم در آن از روحم (ظاهرا خدا روح دارد! یعنی جسم
هم دارد!) پس او را سجده کنید گفت ای شیطان چرا تو
سجده نکردی. گفت ... من از آتشم و

در این آیه خدا میگوید من در زمین (نه در بهشت) خلیفه قرار دادم و
فرشته ها هم میگویند چرا موجودی خلق میکنی تا در زمین فساد کند!
بنابراین آدم از اول در بهشت خلق نشده که بعد از آن اخراج شود. ولی
چون محمد خود معترف است که "انا بشر امی" بنابراین یادش میره که

که قبلا چی گفته :

"سوره البقره یا گاو آیه ۳۳ "

و كَفْتِمُ اِيْ اٰدَمَ اَرَامًا كَيْرَ تُو و جفتت در بهشت

و به ادم می‌گه برو با جفتت در بهشت زندگی کن!! بنابراین ملائک اعتراض بی موردی کرده اند که چرا خلق می‌کنی موجودی را که در زمین فساد کنند!!! به هر حال بیا فرض کنیم خدا حضرت آدم را اول در بهشت سکنی داده باشد و ایشان بر خلاف دستور الهی در بهشت فساد میکند تا پیش بینی ملائک را که بشر در زمین فساد خواهد کرد را نقض کند! بگذریم به هر حال متأسفانه حضرت ادم خلاف کار از اب درآمده و خدا به همین علت مجبور میشود تا او را از بهشت بیرون کند همان چیزی که از ابتدا فرشته‌ها میدانستند و به خدا هشدار داده بودند. اما این وسط شیطان مظلوم واقع شده و با حيله خدا از بهشت رانده میشود چون خدا میدانست که شیطان نافرمانی خواهد کرد! به این ترتیب بارگاه الهی خلوت شده و سریال زندگی انسان‌ها به سرکردگی اولین پیامبر گناهکار آغاز میشود. اما هنوز خدا فلسفه خلقت را کامل نکرده و تا اینجا فقط تکلیف خلقت ادم بیان شده بنابراین در آیات بعدی سعی میکند تا برای این تولید دلیل بیاورد .

دلیل خدا برای خلق انسان چیست ؟ بگذارید از زبان محمد بشنویم :

"و ما خلقناک جن و الانس الا ليعبدون"
اگه خاطرتون باشه در شروع خلقت گفته شد ما ادم را خلق کردیم تا

فرشته ها و شیطان را امتحان کنیم و ادم هم برود بهشت با جفتش برگردد وسیله امتحان هم سجده گزاری بر ادم بود ولی وسطای خلقت قضیه عوض میشودبه این ترتیب که وقتی خدا موفق به اخراج شیطان میشود در صدد امتحان از بنی ادم درمیاید تا مبادا او هم مثل شیطان ادعای خدایی کند و قرار میشه تا بنی ادم نماز بخوانند و بندگی خدا کنند تا برگردند بهشت.

از اخراج ادم تا برگشت او به بهشت خداوند برای شیطان شغلی پیش بینی میکند و انهم به انحراف کشیدن بنی بشر بوده است ولی از برگشت مجدد ادم به بهشت معلوم نیست که تکلیف شیطان چه میشود ضمن اینکه او از جنس آتش است و خدا هم نمیتواند او را از آتش جهنم بترساند.

بنابراین هیچ ضمانت اجرایی وجود ندارد که دوباره انسان گول نخورد و این سیکل را تکرار نکند. اگر خداوند خلقت را با روحانیون آغاز میکرد این بلاها سر بنی بشر نمیامد!! و الان همه در بهشت مشغول لذت بردن از فرشته ها بودند و خدا هم در آسمانها سرگردان میشد چون روحانیون دین و سیاست را با هم میخواهند. برای همین است که محمد برای فتح مکه تلاش میکند و عمو و پسر عموها را شکست میدهد و حسین با فامیلش میجنگد و همه گناه ها را به گردن دایی حضرت عباس (شمر) می اندازد. آنها حکومت کردن را میخواهند و نه پیغمبر و امام بودن را. یه موضوع ناگفته دیگه این است که ایرانیان اصرار دارند که امتحان خدا برای برگشت به بهشت را جدی بگیرند خوب به من بگو آیا درست است

که به انسان گناه کاری که در زندان بسر میبرد و در زندان بچه دار میشود گفته شود چون خودت فاسد بودی ممکنست فرزندت هم فاسد شود پس فرزند تازه بدنیا آمده ات هم باید در زندان بماند و پس از امتحان به دنیای آزاد برود؟ من چرا باید به خاطر نافرمانی پدرم (حضرت ادم) در زمین زندگی کنم و امتحان پس دهم؟ او گناه کرده من چیکاره بودم؟

خوب ببینیم تکلیف فلسفه خلقت در اسلام چی شد.
خدا ادم را خلق کرد که خلاف کند تا برود در زمین فساد کند.
و بعضی نماز بخوانند و بمیرند و برگردند به محل تولد اولیه.
انهایی که فساد کردند چند وقتی در جهنم شکنجه شوند و وقتی پاک شدند بروند بهشت .

انهایی که نماز خواندند بروند بهشت حوری بازی کنند.
این است فلسفه خلقت آفرینش در اسلام.

اینجاست که میگم اگر عنصر عقل را کنار بگذارید مسلمان تر خواهی شد. لابد میدونی که مسلم یعنی کسی که گردن نهد بر فرامین محمد.
در حیرتم که این ابلهان با چنین اندیشه ای چگونه ۱۴۰۰ سال و اندی دوام آورده اند.

*قران و فلسفه خلقت ۲

خوب تکلیف خلقت انسان بر اساس قران روشن شد نکته قابل توجه دیگر در این روش خلقت این است که خداوند برای خلق چیزی به چیز دیگری نیاز دارد مثلا برای خلق ادم به گل و لای نیاز داشته به این ترتیب او قادر مطلق نیست که بگوید " بشو و بشود" او هم مثل بشر برای تولید اشیا به ماده نیاز مند است از طرفی اگر خدا خالق زمان می بود در خلق زمین و آسمان مقید به زمان نمیشد !!!!

"سوره هود آیه ۸"

و اوست که آفرید آسمانها را و زمین را در شش روز

"سوره فصلت از آیه ۸"

بگوهر آینه گافر میشوید بانکه آفرید زمین را در دوروز.....و

گردانید در آن کوه ها را در چهار روزپس پرداخته به

آسمان و آن به صورت دود بودپس قرار داد آنها را

هفت آسمان در دو روز

در این آیات محمد معترف است که خداخالق زمان نیست او هم میبایست مدتی صبر کند تا چیزی تولید کند اما اشتباه دیگری که محمد در این آیات کرده اینستکه یکبار میگوید خدا زمین و آسمان را در شش روز خلق کرده و بار دیگر میگوید در هشت روز !! البته او مستقیما نگفته در هشت روز محمد فقط جمع $2+4+2$ را بلد نبوده. شاید بعضی بگویند که منظور ایشان استقرار کوه ها در مدت ۴ روز روی زمین در واقع جمع زمان لازم برای خلق زمین و کوه بوده!

باید بگویم نه :

چون متن آیه به مدت چهار روز برای تولید کوه تاکید دارد ولی اشکال اصلی در این است که مگر کوه چیزی جز زمین است که خدا انرا بعد از زمین بسازد اگر چنین بوده خداوند می بایست چند روزی هم به تولید دریا ها اختصاص میداد که در ابتدای خلقت به مراتب از کوه ها بیشتر بوده اند بنابراین وقتی خدا زمین را خلق کرده خود بخود کوه در آن ساخته شده است پس تا اینجا دو روز برای زمین و کوه و دو روز برای آسمان لازم بوده.

به عبارت دیگر باید جمع زمان خلقت آسمان و زمین به چهار روز تقلیل یابد. ولی چون صحبتی از کهکشان ها منجمله از کهکشان راه شیری نشده و از طرفی سیارات تشکیل دهنده کهکشان ها ماهیتی شبیه زمین دارند پس می توان تصور کرد که خداوند پس از تمرین در ساخت زمین متبحر شده ظرف مدت دو روز تمامی سیارات موجود در دیگر کهکشان ها را میسازد.

به این ترتیب خلق آسمان و زمین به شش روز خواهد رسید فقط مشکل باقیمانده سیاراتی هستند که هنوز در حال شکل گیری هستند که نشان میدهد خدا بیکار ننشسته و هنوز مشغول خلق است و این زمانها که قران اشاره میکند مربوط به بخش اول خلقت است !!!!

و اما در خلق آسمان گفته میشود که آسمان بصورت **دود** بود در واقع معنی آن "تقدم ماده" بر خداست. شاید آن زمانها تصور میشده دود ماده نیست و به همین علت محمد این گاف را داده. ضمنا من که تا به حال

ندیده ام که کسی اول مظروف را تهیه کند بعد ظرف را تدارک ببیند تا انرا در ظرف بریزد.

حتما این مطلب را نفهمیدی صبر کن تا توضیح بیشتری دهم.
به نظر شما آسمان ظرف زمین است یا زمین ظرف آسمان؟
یقینا می توانید با احتمال بیشتر حتی قریب به یقین بگویید که آسمان ظرف زمین است.

بنابراین تفکر یقینا اگر شما به جای خدا بودید اول به خلق آسمان می پرداختید بعد به سراغ خلق زمین می رفتید.
حالا فرض کنید شما هم مثل خدا اول اقدام به خلق زمین کرده اید در حالیکه هنوز آسمان را نساخته اید در اینصورت تا ساخت آسمان که دو روز طول کشیده زمین را کجا قایم میکردید؟
به نظر میاد این آیات جابجا شده اند و کافیست برای حل این اشکالات فقط جای آیات عوض شوند یعنی بعد از خلق آسمان بگوییم
انگاه به خلق زمین پرداختیم و هی دخان.....
در ادامه آیات آمده است که:

" و قرار داد آنها را هفت آسمان !!!!!!!!!!!!!

یه روز به ملا نصرالدین گفتند آسمان چند تا ستاره دارد او گفت به اندازه موهای تن الاغم!
در واقع در ایران مبتکر این نوع استدلالات و ادعاها اول ملا نصرالدین بوده شاید هم ملا این دانش فنی را از محمد کش رفته باشد!

به هر حال این که بگوییم آسمان هفتاست به همان اندازه مزخرف است که بگوییم آسمان نه تا یا بیشتر است.

ای مسلمانی که با خواندن این حرفا دیونه شدی و آگه دم دستت بودم خرخرمو مثل اب نبات میجویدی! می دونم در دین و مرام و شریعت شما فقط جنایت و ادمکشی تعریف شده ولی بدان عمر تو هم مثل عمر کمونیستها به سر اومده باید بری آره باید بری به زباله دان تاریخ و برای حکومت بر بشر یه عطاری دیگه باز کنی.

تو فکر میکنی به چیزی که نه حجم دارد "نه وزن دارد" نه می خورد" نه می اشامد " نه میزاید " نه زاییده میشود " نه در زمان است " نه در مکان است " نه حرف می زند " نه دیده می شود " و هیچیکدام از مشخصات هستی را ندارد چی میگن؟

آره به موهومی که هیچ صفتی از اصفات هستی را ندارد می گویند **نیستی**.

و " **نیستی** " یا هست و یا نیست .

اگر " **نیستی** " هست پس خود نوعی " **هستی** " است .

و اگر " **نیستی** " نیست پس هر چه هست " **هستی** " است .

از انجاییکه هر چه هست " **هستی** " است پس **هستی** را چه نیازی به خلق است؟! الا همان که محمد هم معترف است یعنی ساخت اشیا از مواد موجود در طبیعت که این کار را بشر هم بلد است بد نیست بدانید که محمد هم به نوعی از عدم وجود خدا آگاهی داده ولی من و تو متوجه نشدیم حتی خودش هم متوجه نشده :

”سوره“

بگو خدا یکی است - بی نیاز است - زاییده و زاییده نشده -
نگاه کن همه اصفیات از نوع سالبه هستند بنابراین وقتی اصفیات
وجود از معمول سلبه شود در واقع حکم بر عدم معمول قطعی است.
منکر این نیستیم که برخی از اصفیات که به خدا نسبت می دهند موجب
اند ولی اصفاتی به خدا نسبت داده می شود که خود از مقوله عدم
هستند .

مثلا می گوئید او قادر مطلق است - جمیل است - رحیم مطلق است -
رحمن مطلق است - و

تمام این اصفیات در مجموعه صفت های شناخته شده جایی ندارند و به
اجبار باید در مجموعه اصفیات از خانواده نیستی قرار گیرند . به این ترتیب
وقتی تلاش می کنید تا یک موجود موهومی بسازید راهی جز تعریف
موهوم از مجموعه موهومی ندارید و این راهی است که محمد رفته و
پیروانش انرا پرورش می دهند.

*قران و فلسفه خلقت ۳

فکر کنم در شماره ۷ بد جوری زدم تو برجک تفکر آخوندی اینجاست که آنها همه بسیج شده و وارد یک مبارزه عقیدتی شوند . باشه به قول شما بسم الله و به قول ما این گوی و این میدون :

میخوام به سبک خودت (باصطلاح طلبگی) گپ بزنیم .

شما میگرد از اثر پی به موثر بردید !

ولی اگر یه ماشین بهت نشون بدم نمی گی خدا ساخته و اعتراف میکنی اینو بشر ساخته .و در مورد چیزهای مشابه دیگر نیز شما تولید آنها را به بشر نسبت میدی الا اسمان و زمین رو که محمد معترف است اسمان را از دود ساخته!

پس باید گفت که شما فقط از آثار گنده پی به وجود خدا میبرید !!!
تو میگی خدا این اثر بزرگ را ساخته و من میگم هستی ازلی و ابدیست و چون نیستی نیست هر چه هست هستی است .

تو میگی اگر ماده خالق ماده دیگری می بود بنابراین ماده خالق خود مخلوق ماده خالق دیگر میشد و منو به گردونه تسلسل باطل می بردی منم میگم اگر خالق جهان موجودی موهومی به نام خدا با اصفات نیستی می بود پس خالق این موهوم نیز می بایست یک نیستی دیگری میشد بنابراین منم شما را به دور باطل تسلسل می بردم مگر اینکه قبول کنی خلق الساعه فقط برای خدا امکان دارد تا بتوانی به خدا ماهیت وجودی دهی که میدانم شما هم به هستی از این روش اعتقادندارید .

ولی دقت کن این بار من نمیگویم خالق " ماده " ماده " است . من فقط میگویم نیستی وجود ندارد . من میگویم نیستی نمی تواند وجود داشته باشد تا نیاز باشد موجود موهومی از مجموعه نیستی بیاید و نیستی را هست کند .

من میگویم هر چه هست " هستی " است و واژه وجود فقط متعلق به هستی است. این استدلال بر دو پایه استوار است.

(۱) هستی ازلی و ابدی است چون نیستی وجود ندارد.

(۲) تبدیل و تبادل مواد به یکدیگر و نه خلق مواد از نیستی. و نهایتاً اعتقاد به موازنه ماده و انرژی برای تولید مستمر در جهان. براساس این دو پایه و یکسری کنشها و واکنشهای شیمیایی جهان امروز با تمام موجوداتش به وجود آمده اند .

حالا تو میگی جهانی که ساختی هدفدار نیست ! یک دنیای هر کی هر کی و بدون جزا و پاداش است که بشر انرا دوست ندارد !
باشه فرض میکنیم اینجا حق با توباشه ولی ببینیم هدف شما که از سوی خدا به محمد ابلاغ شده چیست؟

تا اونجایی که به یاد دارم هدف اصلی خدا از خلقت بشر اطاعت از پیامبر و اولیای امر و دعا و ثنای خداست. و بهشت هم پاداش نماز و اطاعت از پیامبر و دار و دسته او ست. به عبارتی چندین کهکشان بزرگ خلق شده اند تا فقط در زمین که یکی از سیارات کهکشان راه شیری است موجودی به نام انسان بشود خلیفه و نماز بخواند و برود بهشت!
باید بگویم هم تو دیوانه ای و هم آنکه این مزخرفات را یادت داده.

ادم حسابی اگر قرار بود فقط انسان آزمایش شود که به بهشت رود پس چرا کهکشان های دیگر خلق شده اند؟ خوب کافی بود خدا فقط زمین را میساخت!!

بگذار یکبار دیگر دنیای هدفدار تو را مرور کنیم:

یکدفعه خدا پیداش میشه و می بینه یه تعداد فرشته دارد و چند تایی خدمتگزار مثل ابلیس که از آتش ساخته شده " نه آسمانی نه زمینی نه دودی نه گل و لایی نه آتشی و بعد تصمیم میگیره بشر را بسازد (معلوم نیست اول بشر را ساخت یا جهان را) اگر قرار باشه عاقلانه همه چیز را کنار هم بچینیم باید فرض کنیم اول آسمان را ساخت انهم از دود که قبلا وجود داشته (اینجا یک تناقض است!) بعد زمین را ساخت بعد چند تا چراغ گذاشت تو آسمان و بعد ادم را ساخت انهم از گل خشک شده ولای ریخته شده که وجود داشته (اینم یه تناقض دیگر!) و به علت سجده نکردن ابلیس بر آدم در دربار خدا اختلاف می افتد و ابلیس اخراج میشود و آدم هم خلاف میکند و به زمین تبعید می شود.

به این ترتیب از اول که خدا تصمیم به خلق زمین می گیرد انرا برای ادم ساخته و به این ترتیب فرستادن او به بهشت نمایشی بوده است . از این به بعد جهان هدفدار میشود . و هدف ان بر این پایه استوار است که بشر نماز بخواند تا به بهشت بر گردد!!!!!!!

شاعر میگه:

هدف ملت ایران اگر این بی هدفی است

به چنین ملت و روح رهبرش باید رید.

ما بی هدف بودن خلقت را به داشتن چنین هدف مضحکی ترجیح
میدهیم. اینجاست که من باید بگویم "لکم دینکم ولی الدین"
حالا ببینیم بهشت کجاست؟
"سوره نسا آیه ۱۶"

..... داخل کند او را در بهشتی که می رود از زیر آنها
نهرها.....

"سوره نسا آیه ۱۲۱"

..... در بهشت هایی که می رود از زیرشان نهرها.....
"سوره نحل آیه ۳۳"

بهشت های اقامت دائمی که می رود از زیر آنها نهرها.....
"سوره الرحمن از آیه ۴۵"

در این سوره بد جوری نوار محمد گیر کرده چون بیش از بیست دفعه
میگه :

پس کدامیک از نعمتهای خدا را تکذیب میکنید؟ و در جواب میگه :
زنان دست نخورده - میوه و نخل و انار - نهرها - بالش سبز و بساط
قیمتی - حوریان در خیمه خوب زنان نیکو-زنانی که جن به آنها دست
نزده - دو چشمه جوشنده - فرش های سطر - دو تا از هر میوه -
× خواندن فارسی این سوره را به همه علاقمندان به اسلام و مسلمین
توصیه میکنم .

"سوره ۷۹ از آیه ۳۱"

پرهیزکاران را جای کامیابی است - بانها و انگور - دختران نار

پستان هم سن - جامهای شراب

این چیزها یی که ایشان در بهشت وعده می دهند همش در محله دربند خودمون هست ممکنه در عربستان نبوده و اونها از این پاداشها شاد می شدند ولی تو ایرانی فرهنگ باخته را سینه نه ؟

منظورم تو هم هست آقای نیروی انتظامی که اجازه نمیدی جوانها طبق دستورات اسلام در بهشت زندگی کنند برای این جوانها که آینده ای نگذاشتید بگذارید اقلا تو کشورشون راحت باشند برای چی به دستور اربابای نو رسیدت آنها را اذیت میکنید؟ به شما پول بیشتری نسبت به قبل میدهند ؟ درسته اینو میدونم .آزادتون گذاشتند تا هرچه میخواهید مردم را اذیت کنید ؟ این را هم میدونم .به این ترتیب تو حق داری !!!

ولی در برابر خشم مردم اگه یک روز پاشند نمی ارزه روش فکر کن . خوب بیایید فرض کنیم همه این ادعاهای مسلمین درست است و اگر پرونده مان را بدهند دست راستمون میریم بهشت و اونجا مردها میرند حوری بازی و زنها میرن بغل مردان نازک و ابرو پیوسته ! بعدش چی ؟ تا چند سال این وضع براتون قابل تحمله؟ وقتی از این کارها سیر شدید اونجا کارتون چیه؟ ادامه حیاتتون چه جور هست ؟ اونجا دیگه به معاد نیاز ندارید؟ پس امامت چی میشه؟ نبوت چی میشه؟ اصلا وقتی به معاد نیاز ندارید اصول الدین تون چی میشه؟ تکلیف فروع دین تون چیه ؟ به کی باید خمس بدید؟ از کجا باید پول دراورید که ذکات بدید؟ یعنی فروع دین تون هم مثل اصول دین تون پر؟

فکر کن الان تو دنیای خیالی محمد هستی و شوهرت داره با چند تا حوری و میره و تو هم تو بغل یه غلمانی نشستی سالها همین کار را دارید تکرار میکنید بدون هدف و بدون آینده ایی دیگر. چقدر یک همچین وعدهایی ارضاتون میکنه؟

فکر میکنی چه بلایی سر جهنمی ها میاد؟

اونها هم به قدر خلافشون مجازات میشن و میانند بهشت برای اینکه خدا خودش گفته هرکس به قدر ذره ای شر برساند به میزان شر مجازات میشود .

اون دنیا که مثل این دنیا نیست که اگر خلاف کنی بکشندت و بعد از مردن نتوانی برگردی به دنیا چون دنیای دیگری بعد از اون دنیا نیست پس هر قدر هم خدا شما را عذاب دهد و یا در آتش جهنم بسوزاند دوباره در همون دنیا هستی و از بین نمیری!!!! پس بنابراین الزاما همه جهنمی ها هم بهشتی میشوند. به عبارتی آخر جزا و پاداش مجموعه ایی تهی است.

سروران و عزیزان ایرانی ساکن در ایران و اروپا و امریکا من قصدم از نگارش این مطالب بی احترامی به فرد خاصی نیست فقط می خواهم کاری کنم تا در مورد آنچه که سینه به سینه آموخته اید دوباره فکر کنید عمیق و به دور از تعصب.

اگر بتوانید از افکار پوسیده نیاکان خود رها شوید یقینا در مراسم محرم و رمضان شرکت نخواهی کرد و به دنبال خواست حکومت در روز قدس به راه پیمایی نخواهی رفت و در اعیاد اعراب اعم از قربان و قدیر و

امثالهم شراکت نخواهی کرد و این یعنی مرگ آخرین نظام حکومت مطلقه در قرن بیست و یکم. بدانید دوباره به حکومت منارشی باز نخواهید گشت حتی از نوع انگلیسی ان .

اگر هنوز هضم این همه خواسته برات ممکن نیست ولی فقط با نظام جمهوری اسلامی به دلیل اینکه فکر میکنی انها مسلمان نیستند و اسلام چیز دیگریست مشکل داری برای رهایی خودت و فرزندان در انتخابات انها مشارکت نکن تا مرگ زود رس انها را ببینی در غیر اینصورت انها مرگ ترا خواهند دید و ارزو به دل در گور بخواب ابدی خواهی رفت .

میگی تغییر در عقاید من چه ربطی به آینده ایران داره ؟ میگی اینها را ما نیاوردیم که ما ببریم ؟ میگی اونی که آوردش خودش میبردش ؟ درسته حق با شماست اما ما یک حلقه از تمامی حلقه های تصمیم گیری انها هستیم فقط عدم مشارکت یک حلقه میتواند زنجیر را دو تکه کند.

*قران و فلسفه خلقت ۴

در شماره شش قرار بود به یکسری سوالات جواب بدم فقط برای یاد اوری یک بار دیگه انها را می نویسم:

۰-آسمان تا کجاست؟ یا حد آسمان کجاست؟

۱-جهان چگونه هست شد؟

۲-بشر چگونه هست شد؟

۳-چرا هست شدیم؟

۴-مرگ چیست؟

۵-خدا چیست؟

۶-آیا زمان مخلوق است؟

در مورد سوال اولی با توجه به مطالب شماره های قبلی باید بگم بعضی سوالات ماهیتا موهومی و بعضا هدفدار هستند وقتی میگویم هر چه هست هستی است معنیش اینه که برای خلق جهان نیاز به خدا نبوده که این سوال طرح شود ولی از این دیدگاه که کهکشانشا چگونه شکل گرفتند دیگه سوال موضوع کشف خلق هستی از نیستی نیست بلکه بشر میخواد بدون سیارات چگونه بوجود آمده؟ یعنی سوال کننده از ابتدا پذیرفته چیزی بوده و به چیز دیگری تبدیل شده .

در این خصوص اندیشمندان فرضیات زیادی طرح کرده اند اتفاقا یکی از این فرضیه ها به فرضیه محمد که گفته اسمان را خدا از دود خلق کرد نزدیک است. به هر حال موضوع بدلیل تخصصی بودن به اهل فن سپرده می شود.

اما اینکه ادم چگونه خلق شده قطعا موضوع محدود به بشر نیست و به همه جانداران مربوط است موجوداتی که پیوسته در حال زاد و ولد و تغییر شکل تکاملی هستند. شاید از بین تمام فرضیات بتوان قریب به یقین فرضیه تکاملی داروین را با جزئی تغییرات پذیرفت. فقط بدانید شما هم قادرید موجود زنده بسازید کافیست مقداری گوشت را در شرایط مناسب قرار دهید تا شاهد تعداد زیادی کرم شوید. البته شما این کرمها را نساخته اید بلکه توان بالقوه ماده انرا میسازد تبدیل مواد یک اصل است و در شرایط خاص مواد به یکدیگر تبدیل می شوند .

امروزه علم ژنتیک تمامی معادلات الهیون را بهم ریخته است . قابل ذکر است که بدانید مهندسین ژنتیک هم کاری جز شناخت و ایجاد شرایط مناسب برای تبدیل مواد به یکدیگر نمی کنند. در واقع انها هم نیستی را به هستی تبدیل نمیکنند .

گمان کنم سوال سوم و چهارم دیگه اهمیت زیادی نداشته باشد برای اینکه کافی بوده شرایط مناسب برای تولید انسان از مواد دیگر فراهم شده باشد و به همین ترتیب به محض اینکه شرایط تبدیل و تجزیه انسان به عناصر سازنده اش فراهم شود میگوییم فلانی مرد در واقع او فقط تجزیه شده است بدون اینکه جرم کلی جهان تغییر کند.

لابد فکر میکنی فرق مرده و زنده روحشه !

نه فرق انها یه مقدار انرژی است که چشم انرا نمی بیند ولی موجب به حرکت درآوردن چرخهای خودروی شما می شود اگر شرایط به حرکت

درآمدن موتور را از آن بگیریید ماشینتان یه آهن قراضه بیش نیست که باید ببرینش قبرستون ماشینها.

وقتی انسان نتواند موادی را که می خورد در جهت تولید انرژی بکار گیرد بنابراین به ماده بدون انرژی تبدیل می شود و یک ماده بدون انرژی محکوم به تجزیه در علم ماده است تا در جایی دیگر و شرایطی دیگر ایجاد انرژی کند.

مهمترین سوال این است که بفهمیم اسمان تا کجاست؟ ما پشت اسمانیم یا روی ان قرار داریم؟ وقتی از شما پرسیده میشود عدد هزار و پانصد جایگاهش کجاست شما سریع پاسخ میدید ولی عدد یک قلیو پانصد را چه طور؟ جایگاه بی نهایت کجاست؟ آخر عدد ها بینهایت است یا بعد از انهم عدد داریم؟ اگه یکی بپرسه یک قابلون و دو شابلون صد ترابلون بعد از بینهایت است یا قبل از ان چی میگید؟

قطعا شما هم مثل من نمیدانید ولی اطمینان دارید سلسله اعداد حد ندارد و شما هم با اخرای سلسله اعداد کاری ندارید چون هر وقت به موضوع مبهمی روبرو شوید سعی می کنید به نحوی رفع ابهام کنید.

وقتی شما از بین همه اعداد برای خرید خانه ای عدد صد و پنجاه هزار دلار را انتخاب می کنید این حد اعداد در این معامله برای شماست .

این بینهایت شماست در واقع هر عددی در جایگاه خودش یک بینهایت است وقتی شما در بینهایت اسمان قرار دارید چرا دنبال اخر چیزی می گردید که انرا دارید؟! چرا باید فکر کنید شما در بینهایت اسمان نیستید

تا بدنبال ان نگرديد؟ بله اخر اسمان همان جايي است كه زندگي مي كني. چون تو براي موجودات بينهایت دور از خودت يك بينهائيتي . از انجايي كه بحث هاي فلسفي براي ادم هايي كه مي خواهند فقط يك زندگي آرامي داشته باشند واقعا خسته كننده است پس تا همين جا اكتفا مي كنم و بيش از اين را مي گذارم براي علاقمنداني كه سوال خواهند كرد.

ممكنه بشر در اينده اي نه چندان دور به تمام اين سوالات پاسخهاي بهتري دهد . ممكنه تمام مجهولات بشر در قرن حاضر كاملا معلوم شوند ولي در شرايط موجود با قدرت تمام ميگم كه استلال من به مراتب از ادعاي محمد منطقي تر است و انسان عاقل بين بدها چيزي را انتخاب مي كند كه با شرايط روز بتواند بيشتر مطابقت نمايد.

***کی تا حالا گفته ماست من ترش است !!!**

***شیعه و یا سنی کدام راست میگویند؟**

در این شماره می خواهیم به موضوع چگونگی انداختن ماست ترش بجای ماست شیرین به مردم بپردازم و هدفم از طرح این موضوع اینست که بگم تو این نیم قرن عمرم ندیدم یکی پیدا بشه به مردم حرفای راست و درست و منطبق بر واقعیت ها را بگه همینطور در گذشته های خیلی دور هم فردی را به یاد نمی اورم که نخواسته باشد سر مردم شیره بماله این موضوع محدود به عامی و نبی و امام نیست همشون سر و ته یک کرباسند در واقع ادم باید خودش عاقل باشه !
بریم تو قران ببینیم محمد با چه روشی سعی کرده ماستشو به مردم قالب کنه !

روش اول : بستن راه بر دیگران

"سوره ۵ آیه ۵"

امروز کامل کردم برای شما دین نتان را و تمام کردم بر شما

نعمت خودم را و پسندیدم برای شما اسلام را دین

محمد که نزد بحیرا قصه های زیادی از انبیا آموخته و بکرات نیز در قران به باز گویی این قصه ها پرداخته تصمیم می گیرد تا راه را بر پیامبران بعدی ببندد بنابراین با نزول این آیه و آیه دیگری شبیه به همین اعلام می کند که اسلام کاملترین و آخرین دین خداست و به تعریف و تمجید این دین از زبان خدا می پردازد .

بر پایه این استدلال باید پیروان سایر ادیان نیز به دین اسلام بپیوندند در غیر اینصورت معنی ان این است که آنها در صراط غیر مستقیم قرار دارند و از دینی پیروی می کنند که کامل نیست!

به عبارتی محمد مدعی می شود که خدا به بشر قبل از اسلام ماست ترش را جای ماست شیرین فروخته!

اما مدتی از این ادعا نگذشته بود که شیعیان متوجه می شوند که دین محمد هم نقص دارد و او هم به شیعیان ماست ترش فروخته بنابراین آنها هم چند امامی به دین اکمل خدا اضافه می کنند و موفق می شوند انرا فقط به غیر عرب تحمیل کنند چرا که اعراب با اطلاعاتی که از تاریخ اسلام داشتند می دانستند که امامان شیعیان همه بدنبال خلافت بودند و نه امامت.

به این ترتیب کسانی که از انتشار شیعه سود می بردند به اصول دین اهل تسنن دو عنصر دیگر با عناوین عدل و امامت اضافه کردند و اسم آنرا اصول مذهب گذاشتند چون می دانستند که ایرانی ها نمی فهمند که معنی مذهب هم یعنی دین.

با توجه به شناختی که کارشناسان از روحیه ایرانی ها داشتند سالها به راحتی در کتب دبستان و دبیرستان به فرزندان ایران آموزش اصول دین و مذهب (یعنی اصول دین و دین) دادند.

می دونم یک مسلمان متعصب سعی میکنه به واژه مذهب مفهوم دیگری بده ولی به هر حال این اقدام شیعیان یعنی ایجاد یک نسخه جدید در دین اسلام و قبول وجود نقص در نگارش قبلی.

حالا این سوال مطرح است که اگر خدا راست می گوید و اسلام دین کاملی است پس شیعیان دروغ می گویند و اگر شیعیان راست می گویند که اسلام با امامت کامل شده پس محمد به شیعیان ماست ترش فروخته بد نیست که با قدری فکر روی این سوال بفرمایید چه کسی به ایرانیان ماست ترش فروخته؟

روش دوم : وعده های تو خالی

برای اینکه محمد بتواند ماست ترشش را بفروشد مثل سایر انسانهایی که برای کسب قدرت تلاش میکنند یکسری وعده های نسیه هم میدهد. بریم در قران تا با آنها بیشتر آشنا شویم :

سوره ۷۹ از آیه ۳۱

پرهیزکاران را جای کامیابی است - بانها و انگور ها - دختران نار
پستان و هم سن - جامهای شراب...

پاداشها در سوره الرحمن

زنانی که قبل از شما جن و انس انرا مس نکرده اند- حوران فراخ
چشم- خوب زنان نیکو- زنان فرو هشته چشم - زنان همیشه باکره -
انار و نخل-.....

و تعداد زیاد دیگری از پاداشهای مرد پسند که ذکر آنها فقط موجب
اطاله وقت است.

روش سوم : تهدید و ارعاب

"سوره ۴ آیه از آیه ۷۶"

پس باید کارزار کنند در راه خدا با آنها که خریدند زندگانی
دنیا را به آخرت و هر که کارزار کند در راه خدا پس گشته شود
یا خالجه آید پس زود باشد که بدهیم ایشان را مزدی بزرگ...
همین آیه است که از مسلمین انسانهایی تروریست می سازد و برای آنها
فلسفه انتحار را توجیه می کند.

"سوره ۱۵ آیه ۴"

و هلاك نكرديم قريه را مگر برايشان نوشته اي معلوم
مثل اینکه از برای بعضی قریه ها از قبل دستور تنبیه صادر شده و
برایشان راه گریزی نبوده!

"سوره ۱۷ از آیه ۱۷"

و چون خواهیم که هلاك کنیم قريه اي را به انها نعمت ميرسيم بعد
نافرمانی میکنند بعد ثابت می شود که گناه کارند بعد آنها را
هلاك می کنیم !

روش جالبی برای از بین بردن انهایی است که خدا خوش میاد که
نابودشوند !

"سوره ۱۷ از آیه ۶۰"

و نیست هیچ قریه ای مگر آنکه ما بیم نابود کننده اش قبل از روز
قیامت...

معلوم میشه قضیه مجازات فقط در روز قیامت نیست !

"سوره ۱۳ ایه ۱۲"

.....بدرستی که خدا تغییر نمی دهد سرنوشت اقوام را تا آنکه
تغییر دهند خودشان

این ایه با بقیه فرق دارد و علیه آیات قبلی بلند شده به این ترتیب که
خدا نیست که هر وقت خوشش بیاد قریه ای را تنبیه میکند بلکه انسانها
هستند که خودشان باعث تغییر سرنوشتشان می شوند.

"سوره ۹ از آیه ۵"

..... پس بکشید مشرکان را هر جا بیابیدشان و بگیریدشان و حبس
کنیدشان

آیه ۲۹ - بکشید کسانی را که به خدا نمی گروند و قیامت را قبول
ندارند و حرام خدا را حرام نمی شمارند

آیه ۷۴ - ای پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان و سخت گیر بر
ایشان

آیه ۱۲۴ - ای کسانی که ایمان آوردید بکشید نزدیکانتان را که
کافر شدند....

بر اساس این آیات تمام آمریکایی ها و اروپایی ها و شرقی ها یی که
ایمان نیاورده و مسلمان نشوند و مشروب بخورند و با حجاب نباشند و
قس علیهذا همه در لیست اعدام مسلمانان قرار دارند کافست رهبر
شیعیان جهان به بمب اتم دسترسی پیدا کند آنوقت آن کند که محمد
با ایرانیان کرد .

روش کار هم ساده است و هم تکراری به این ترتیب که اول رهبر سران کشور های اسلامی یه نامه میده به شما و میگوید اسلام بیاور! اگر اسلام آوردید که هیچ در غیر اینصورت یه فقره بمب با رمز یا زهرا میاد رو سر ملت تا یاد بگیرد عرق نخورد و کافر نباشد و روسری سر زنش کند. راستی چرا با این همه دلایل واضح کشورهای غیر مسلمان نشسته اند تا شاهد حوادث تکراری ۱۱ سپتامبر شوند؟! وقتی حیات و مرگ مسلمانان یکیست و آنها اگر نا مسلمانی را بکشند به هر حال به بهشت می روند چرا زودتر آنها را راهی بهشت نکنیم!

چرا باید مردم دنیا بپذیرند که اگر مسلمانی یک یهود را کشت کار عقیدتی کرده ولی اگر یک یهودی مسلمانی را کشت جنایت کرده؟ اصلا وقتی یهود و مسلمان از قدیم با هم عداوت داشته اند و محمد هم بارها آنها را قلع و قمع کرده و باغات پنبه آنها را به غنیمت گرفته داده دخترش و در قران و حدیث هم کشتن یهود را مجاز کرده چرا سایرین خودشون در این مشکل ریشه دار تاریخی دخالت میدن؟ محمد گفت: آخرالزمان نخواهد رسید مگر آنکه مسلمانان علیه یهودیان جنگیده وچندان از آنان بکشند که یهودیان در پشت سنگ ودرخت مخفی شوند. در آن حال سنگ یا درخت به صدا درآمده می گوید: ای مسلمان ویا ای بنده ی خدا یک یهودی در پشت من است، بیا واورا به قتل برسان، اما درخت قارقاد هیچ نمی گوید برای اینکه آن درخت یهودیان است."

پس بگذارید مسلمین و یهودیان خودشون سنگاشونو وا بکنند.

*سئالات رسیده

*پس بشارت ده آنان را که همه حرف ها را بشنود و از بهترین آنها تبعیت کنند

این ایه را گفتم که فکر نکنی هر چه در قران است را خرد گریان نفی میکنند اصلا اینطور نیست آنها که با محمد پدر کشتگی ندارند مشگل این است که محمد به گفته خودش عمل نمیکند اگه واقعا اجازه میداد تا هر کی از حرفهای خوب تبعیت کند آنوقت کسی دنبال اسلام نمی رفت .

در این شماره تعدادی از سئالات رسیده از مردم برای مشاهده شما ارسال میشود تا در پاسخگویی به آنها مرا یاری کنید:

سوال اول: خداوند انسان را از چه چیزی خلق کرد؟

الف : از خون بسته

ب : از آب

ج : از منی

د : از گل و لای خشک شده

* راهنمایی :

سوره نور بین آیات ۴۴ و ۴۵ می گوید :

و خدا آفرید هر جنبنده ای را از آب.

آیه ۲ از سوره علق میگوید : آفرید انسان را از خون بسته

آیه ۱۳ سوره ۵۵ : آفرید انسان را از گل خشک شده مانند سفال پخته

آیه ۳۷ از سوره ۷۶ : آیا نبود نطفه از منی ریخته شده

آیه ۲ سوره ۷۷ : همانا آفریدیم انسان را از نطفه ممزوج
آیه ۶ از سوره ۸۶ : آفرید انسان را از آبی جهنده
آیه ۴۰ از سوره ۶۹ : اوست که شما را از خاک پس از نطفه پس از خون
بسته

آیه ۱۵ سوره ۲۸ : آفریده ایم انسان را از گل خشک شده و لای
ریخته شده

پیشنهاد میکنم برای پاسخ سوال یک به راهنمایی آن گوش ندی چون
منحرفت میکنه!

سوال دوم : خداوند جن را از چی آفرید؟

الف : آتش

ب : آتش بی دود

ج : شعله

د : شعله بی دود از آتش

سوال سوم : خدا ابلیس را از چه آفرید؟

الف: آتش

ب : آتش سوزان

ج: شعله بی دود از آتش

د : از دود بی شعله

سوال چهارم: مجازات زنی که کار زشت کرده چیست؟

الف : حبس در خانه شوهر تا زمان مرگ

ب : سنگسار

ج : توبه

د : صد تازیانه

سوال پنجم : آرایش زندگانی کدامند؟

الف : مال

ب : مال و دختران

ج : مال و پسران

د : پسران

سوال ششم : وقتی خدا قریه ای را هلاک می کند علت آن چیست؟

الف : آنها با اختیار خلاف می کنند و مجازات می شوند

ب : خدا آنها را به سمت گناه هدایت میکند و بعد آنها را

مجازات می کند.

ج : خدا از قبل تصمیم به هلاک کردن بعضی اقوام می گیرد

تا دیگران حساب ببرند .

د : خدا اقوام گناه کار را قبل از روز قیامت مجازات می کند

سوال هفتم : آسمان چند طبقه است؟

الف : هفت طبقه

ب : شش طبقه

ج : یک طبقه

د : بی طبقه توحیدی

سوال هشتم : کهکشان ها در چند روز خلق شدند؟

الف : زمین و آسمان در شش روز و ما بقی هنوز در حال خلقند

- ب : زمین در شش روز و آسمان در دو روز
- ج : سماوات و الارض در شش روز و تولد دیگری موجود نیست
- د : زمین در دو روز و کوه در چهار روز و دریا در دو روز و
اسمانها هنوز در حال تولدند.
- سوال نهم : زنان کشتزار مردانند یعنی چه ؟
- الف : زن زمین کشاورزی مرد است
- ب : مردان کشاورزند و زنان مزرعه آنها
- ج : کشت هر میوه ای در زنان مجاز است
- د : کشت بعضی میوه جات در زنان مجاز است
- سوال دهم : دیه کشتن زن با کدامیک از اعضای بدن مرد برابر است؟
- الف : بیضه چپ
- ب : قدری کمتر از بیضه چپ
- ج : بیضه راست
- د : قدری بیشتر از بیضه راست.
- سوال یازدهم: زدن زن بدست مرد در قران با چه وسیله ای مجاز شده؟
- الف : فرقی نمیکند فقط استخوانش نشکند
- ب : با شلاق تا ادب شود
- ج : با مشت و لگد تا خاموش شود
- د : با دم اسب تا کبود شود

***چرا هر کی مسلمان تراست خرافی تراست .**

ریشه های خرافات در اسلام ۱

دانستیم ارکان دین کتاب - سنت - اجماع و عقل می باشد . آنچه که واضح است خرافات باید از همین ارکان نشت کرده باشد به این ترتیب در این شماره به نقش هر یک از ارکان مذکور در اشاعه خرافات بین ایرانیان و در اسلام می پردازم :

الف : نقش قران

تفاوت منطق قران در پاسخ به سوالات بشر با سایر روشهای تحلیل مجهولات اینستکه طرفداران این عقیده که از آنها تحت عنوان کلی الهیون یاد می شود سعی می کنند تا از جنبه منفی معلومات خود به کشف مجهول دست یابند یعنی وقتی در مجهولی در مانده می شوند پای خدا را به میان می کشند و آنرا به روش خرافی در میان مجهولات جستجو می کنند به عبارتی برپایه این رویه اگر طلبه های مذهبی دلیل موجودیت چیزی را نفهمند و یا نتوانند علت علمی پدیده ای را درک کنند در اینصورت در یکی از سه موضع زیر قرار می گیرند:

(۱) در کتب عالمان علوم تجربی میگردند تا بلکه نوشته ای پیدا کنند تا استدلال آنها را به نحوی تایید کرده باشد .

هرچند احترام اجباری آنها به دانشمندان علوم تجربی نوعی تسلیم در برابر علم است ولی آنها هیچوقت با علوم تجربی میانه خوبی نداشته و یقینا با عالمان در این رشته آشتی نخواهند کرد به جز سو استفاده از دانش آنها هیچ مقصود دیگری برای دین باوران متصور نیست.

۲) در این موضع فقط می گویند "الله و اعلم" و قهرا به هر اندازه مجهولاتشان در شناخت علل طبیعی بیشتر شود موحد تر می شوند. مثلا وقتی پرسید "واقعا آسمان هفتاست؟" به شما خواهند گفت خدا می داند! یعنی موحد کسی است که اگر مجهولی را نداند به دنبال آن نخواهد رفت چون راز آنرا خدا می داند.

۳) اگر مخاطب در مرحله دوم خود را راضی کرد و رفت دنبال زندگیش که هیچ ولی اگر نرفت آنوقت با دستورات قران روبرو خواهد شد .
* سوره مایده از آیه ۳۳

همانا مجازات کسانی که با خدا و رسولش بجنگند و در زمین فساد کنند آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند و یا دستها و پاهای مخالفان آنها قطع شود...

راستی بشر تا کی می خواهد بنشیند و این دستورات وحشیانه من درآوردی محمد را تحمل کند!!!!!! آیا وقت آن نرسیده که مدعیان حقوق بشر با این دین خونخوار مبارزه کنند؟

خدایی که در دسترس نیست چگونه می شود با او جنگ کرد! چه کسی تشخیص می دهد که متهم مبارزه با خدا و محکوم به قطع دست و پا قبلا با خدا جنگیده!

گیرم که افرادی که اغلب هم فامیلهای او بوده اند با محمد جنگیدند و محمد هم به دست علی یا عمر آنها را هلاک کرده باشد امروز که محمدی نیست و خدا هم در میدان جنگ نیست وجود این آیه چه دلیلی دارد؟

حتی در این آیه ذکر نشده ذریه پیغمبر پس چرا وقتی جوانان کشورهای اسلامی نفرت خود را از دین و حکام فعلی آن نظیر خامنه ای و رفسنجانی بیان می کنند باید سلاخی شوند؟ مگر اینها خدا یا رسول او هستند؟
حالا می پردازم به بررسی آیاتی که سعی می کنند خرافات را در بین مردم ترویج و آنرا واقعی جلوه دهند:

بارها شنیده اید که در سال عام الفیل یه تعداد پرنده آمدند و از آسمان بر سر دشمنان سنگ انداختند در صورتی که حتی در یک کتاب بجز قران وقوع چنین حادثه ای ثبت نشده ولی شما ایرانیان که انگار در آن جنگ حضور داشته اید بدون شک و تردید سالهاست که آنرا پذیرفته اید و یا موضوع "شق القمر" (دو نیم شدن ماه) که پس از تولد محمد رخ داده را کدامیک از مورخین ثبت کرده اند که شما آنرا بلغور می کنید!

*سوره الفیل"

و فرستاد بر ایشان ابا بیل را - که می انداخته ایشان را به سنگی از سجیل ..

*سوره ۵۴ از آیه ۱ "

نزدیک شد قیامت و شکافه خورد ماه - و اگر ببینند آیتی روی گردانند و گویند سحر است....

مسلمین وقتی تصمیم می گیرند تولد محمد را یک واقعه مهم جلوه دهند می گویند هنگام تولد او ماه دو نیم شد و وقتی به آنها گفته می شود پس چرا کسی این حادثه را ثبت نکرده شروع می کنند به باز گویی یافته های علمی بدون اینکه معنی آنچه را که می گویند بدانند .

مثلا می گویند طبق فرضیه لاپلاس پیدایش منظومه شمسی نتیجه وقوع یک انشقاق عظیم است.

حالا به فرض هم که چنین باشد به تولد محمد چه ربطی دارد؟
از طرف دیگر این آیه را محمد به روز قیامت مربوط دانسته شما چرا آنرا به روز تولد محمد وصل کرده اید؟
نکته دیگری که در این آیه به چشم می خورد موضوع نشر اعتقاد به "سحر" و جادوست که در این زمینه ایرانیان از سایرین بد جوروی پیشی گرفته اند.

حتما شنیده اید وقتی خانمی به شوهرش شک می کند که زن دیگری زیر سر دارد یا نه میروند پیش یک ملایی تا فکر های اضافی در سر همسرش را پاک کند و این افراد هم ضمن تجاوز به این خانمها آیاتی از قران را برایش بر کاغذی می نویسند و به آن زن می گویند اینرا توی غذای همسرت بریز و به او بخوران تا آدم شود!!!!
لابد شنیده اید که می گویند بر شانه های شما دو فرشته نشسته که یکی اعمال خوب و دیگری اعمال بد شما را ثبت می کند. پیدایش این خرافات نیز از قران است:

*سوره ۵۳ آیه ۲۶ "

و بسیاری از فرشته ها در آسمانهاست که کفایت نمی کند
شفاکت ایشان...

بدبختی اینجاست که اگر خدا عصبانی باشد این فرشته ها هم فایده ای ندارند و هر آنچه را که نوشته اند باید بریزند روی هیزم جهنم!!!!

ریشه های خرافات در اسلام ۲

الف: ادامه نقش قران

لابد می خواهی بررسی اگر فرشته ها هم نمی توانند شفاعت کنند پس تکلیف چیست ؟ در این مورد خدا پاسخ شما را داده گوش کنید .
لا یسئل عما یفعل و هم یسئلون معنیش اینه که نسبت به فعل خداسئوال نکن فقط اطاعت کن یا در جایی دیگر میگه
اطیعوا لله واطیعواالرسول و اولی الامر منکم

معنیش اینه که از خدا و رسولش اطاعت کن و چون دکان داران دین می دانند که اونها فعلا نیستند و قبلا مرده اند پس یقینا منظورشان این است که باید از ولی امرت فرمان ببری و فکر کردن و عقل را بریز دور که اضافه فکر کردن موجب قطع دست و پاست . برای همین است که سکولارهای ایرانی نمی توانند دین را از سیاست جدا کنند چون آنها دست و پاها شون را دوست دارند!
*سوره جن آیه اول"

**بگو وحی شد به سوی من که شنیدند گروهی از جن پس گفتند
بدرستی که شنیدیم قران را پس شگفت!**

می دانم خیلی از شما نمی دانستید که در قران سوره ای به نام جن هم هست!!!!!! فقط از بزرگترهائتان شنیده بودید که آنها در حمام های قدیمی جن دیده اند پدرانمان همیشه از این خالی ها می بستند و ترسشون را به ما منتقل می کردند.به هر حال آنچه که مبرهن می باشد وجود و ثبت این واژه ذهنی در قران است . در آیات دیگر از قران به

خلق جن از آتش بی دود اشاره شده و چون شیطان از جنس آتش بوده پس فرق شیطان و جن درمقداری دود است. حالا درک اینکه آتش بی دود چه صیغه ایست را باید گفت "اینرا فقط خدا می داند"!!!!

اینجاست که میگم خداپرستان و دین باوران از زاویه "نمیدانم چیست" و یا "اینرا خدا می داند" مسلمان می شوند. بنا براین بهترین پاسخ به این سوال که چرا مسلمان شدی اینستکه بگویی چون علت خیلی چیزها را نمی دانم! بنابراین:

چون نمیدانی جن هست یا نیست؟ چون نمیدانی معاد چیست؟ چون نمیدانی جهنم و بهشت در کجاست؟ چون نمیدانی خدا هم آفریدگاری دارد یا نه؟ چون نمیدانی هدف از آفرینش چیست؟ چون نمیدانی عدل کدامست و عادل کیست؟ چون نمیدانی روح چیست؟ چون نمیدانی شیطان واقعی کیست؟ چون نمیدانی خرافات چیست؟ چون هر چیز را که فکر می کردی خرافات است و از دین جداست آنرا در قران یافتی؟! چون نمیتوانستی مرز خیال را از واقعیت تشخیص دهی! پس خودت را به دست روحانیون سپردی برای اینکه فکر می کردی آنها می دانند که عدل چیست!! و آنها هم در طول ۲۵ سال به درستی به تو عدل الهی را نشان دادند!

آنها می دانند که جن چیست چون بسیاری از آنها محصول جن و انسانند! آنها به تو یاد دادند که شیطان بزرگ آمریکاست و امروز فهمیدی که شیطان چیست! آنها به تو آموختند که اگر نا مسلمانی را بکشی و خودت کشته شوی به بهشت می روی پس فهمیدی کلید بهشت کجاست! و ساکنین

بهشت چه کسانی هستند! آنها در مدت ربع قرن حکومت ننگینشان در ایران به تو آموختند که مفهوم واقعی حکومت و عدل الهی چیست و خدا کدامست !!!!

از طرفی چون حکومت روحانیون هم بارها در طول تاریخ با شکست مواجه شده (از صدر اسلام تا امام سیزدهم خمینی هندی زاده) پس به خود گفتم من نمی دانم که پاسخ واقعی این سوالات در دست کیست بنابراین تصور کردی اسلام چیز دیگریست و امام علی کس دیگریست و دوباره بر خود قبولاندی که جواب این سوالات را فقط خدا می داند تا بار دیگر بتوانی از دریچه نمی دانم کما کان مسلمان باقی بمانی!!!! تو می خواهی جن را باور کنی !! تو می خواهی بدست آخوند عقد شوی تا با همسرت محرم شوی!! تو می خواهی بدست آخوند کفن و دفن شوی !! تو می خواهی هنگام تولد فرزندت یک ملا در گوشش حمد و سوره بخواند تا او را نظر کرده کند!! تو می خواهی در زمان تولد فاطمه ازدواج کنی تا مثل او معروف شی! تو می خواهی این شعر را برات بخوانند "چون مادرم وقت سفر آب نریخت پشت سرم واسه اینه که در بدرم!! تو می خواهی در خرافات سینه به سینه منتقل شده از اجدادت به مکه بروی تا از گناه پاک شوی!!!!!!

می گویند محمد هم نمی توانست به پاره ای از اعراب اعتقاداتش را تفهیم کند بنابراین از زبان خدا می گفت :

*سوره الزخرف از آیه ۲۱ "

ما گذشتگان خود را بر طریقه ایی یافتیم و همین طریق را دنبال خواهیم کرد و کاری به چیز دیگری نداریم راه همان راهی است که پدرانمان رفته اند .

ولی محمد در سوره مائده آیه ۱۰۳ اینطور جواب می دهد:

*خوبه ممکن است پدرانتان شعور هدایت شما را نداشته اند . باز هم باید از آنها پیروی کنید .

شاعر می گوید:

آن کس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابد الدهر بماند

حتی اگر در ابقای خرافات محمدی اصرار بورزی باز هم به بهشت

نخواهی رفت مگر به گفته زیر از محمد عمل کنی!

* هر کس که جنگ نکرده باشد و یا اندیشه جنگیدن در مغز خود

نداشته باشد چنین آدمی با نوعی نفاق میمیرد !!

فکر کنید اگر محمد و هیتلر و خمینی و صدام که برخی از نامی ترین

جنگ طلبان زمان خود و بد نام ترین انسان های تاریخ هستند همزمان

متولد می شدند چه مصیبت بزرگی بر بشر جاری می شد !

آخرین مطلبی که در باب نشر خرافات در اسلام از آن یاد خواهیم کرد

موضوع روح است . قبلا اشاره شد که محمد مدعی است که خدا وقتی

آدم را خلق کرد از روح خود در او دمید پس پدیده روح در اسلام به

شکل اعتقاد افلاطونی مطرح و حتی بعضی از دین باوران مدعی اثبات

علمی وجود روح هم می شوند و با همان متد قدیمی می گویند که فلان

دانشمند مادی که احضار ارواح را غیر ممکن می دانست پس از تحقیق بسیار! سرانجام خویشتن نیز به این علم!!! اعتقاد پیدا کرد.

متاسفانه اینجا فقط پای مسلمین در میان نیست که سعی می کنند به روح ماهیت وجودی دهند شاید بسیاری از دین باوران و در کنار آنها کلاشان تلاش می کنند تا دکان احضار ارواحی بگشایند و روح مادر بزرگ حضرت آدم را احضار کنند!! می دانم بسیاری از خوانندگان این متن به من اعتراض کرده و مرا به جلسه احضار ارواح دعوت خواهند کرد ولی باید بگویم ابقا جهل در بشر همیشه بواسطه اعتقاد به موهوماتی است که خود خالق آن بوده است. در واقع ترس بشر از تغییرات هولناک طبیعت او را وادار کرده که همچون کودکی در خلوتگاه خود سوار بر اسب شاخدار شده و در ناکجا اباد دنیا های خیالی با غول یک چشم و اژده های آتشین دست و پنجه نرم کند. همانطور که تو به روح و جن اعتقاد داری بسیاری از مردم دنیا به اژده ها و غولهای چراغ جادو معتقدند. اگر آنها راست می گویند تو هم راست می گویی!

فرض کن ماشینی دارید که در باک آن بنزین نریخته اید بنابر این یقینا خودروی شما استارت نخواهد خورد و حرکت نخواهد کرد به همین علت می توان فرض کرد که روح ندارد! اما وقتی قدری بنزین در آن می ریزید اتومبیل شما استارت می خورد و حرکت می کند و می توان فرض کرد که تحت این شرایط روح دارد!

آیا روح را با انرژی اشتباه نگرفته اید؟ در مورد انسان چی؟ تا زمانی که سلولهای شما می توانند از مواد ورودی از طریق دهان استفاده ببرند

حرکت هم دارند اگر سلولها نتوانند از مواد ورودی بهره ببرند و انرا به انرژی تبدیل کنند و یا اگر به هر علتی ورود مواد به محیط مصرف کننده قطع شود آیا باز هم حرکت خواهید داشت ؟ یقینا با قطع مواد قادر به نمایش حرکت اعضای بدن خود نخواهید بود.

حالا بگویید نقش روح در بدن شما قبل از مردن چیست؟ آیا کار روح نمایش حیات و حرکت در شما بوده و یا این تحرکات را انرژی آزاد شده از مواد به شما داده؟ مطمئنا نمایش حیات و حرکت مربوط به انرژی آزاد شده از ماده است پس نقش روح در زمان حیات شما چیست ؟ به روح در زمان فوت نقش زیادی داده اید چرا آنرا از بدن منتزع می کنید؟ آیا شما هم به ثنویت روح و بدن معتقدید؟ با ان فلسفه خلقت که از قران به یاد دارید پاداش هایی نظیر انگور و شراب و نهر آب و زنان به چه کار روح میابند؟ مگر روح هم ماده است که نیاز مادی داشته باشد؟ ضمنا در قران نگفته که باز گشت شما به بهشت یا جهنم بصورت روح است! بلکه خدای محمد گفته ما شما را می میمیرانیم بعد به همان صورت زنده میکنیم فقط در این صورت است که اون وعده های مادی معنا پیدا می کند ولی باید تعاریف دنیای ماورا را دین باوران عوض کنند و بگویند فرقی بین دنیای ماده و ماورا نیست و هر چه هست همین دنیاست.

ببینیم افلاطون در مورد روح چی گفته:

”روح جوهری است قدیم که قبل از بدن موجود بوده(ثنویت) و وقتی بدنی آماده می شود روح تنزل کرده و به بدن تعلق می گیرد“ دقیقا

چیزی که محمد از زبان خدا گفته "ما ادم را خلق کردیم بعد از روح خود در آن دمیدیم."

اما شاگردش ارسطو آنرا نفی می کند و می گوید:

"رابطه روح و بدن از نوع علاقه صورت و ماده است که خود مبدع انست"

در واقع روح بر طبق این فرضیه قدیم نیست و خود حادث است.

بر این پایه باید پذیرفت به محض خلق آدم روح در آن موجود شده و نیازی به دمیدن روح در آن نبوده است.

به زبان ساده تر بگویم با آمدن بدن بلافاصله روح (همان انرژی) هم پیداش میشه.

بنا بر این استدلال ثنویتی در کار نیست که با حذف بدن روح بتواند باقی بماند. بعد ها دوباره دکارت بر میگردد سر خط اول و اینها را جدا میکند چون دکارت معتقد است نفس و بدن دو چیزند. تحقیقات بشر در موهومی که خود ساخته ادامه میابد و در مشرق زمین سر و کله طراز اول های مسلمین ایرانی پیدا میشه و می گویند روح محصول قانون حرکت جوهری است و حرکت جوهری خروج تدریجی شیء از قوه به فعل است و با لاخره جرح و تعدیلاتی هم در عقاید سر کرده آنها یعنی ملا صدرا می شود و میگویند :

روح خاصیت و اثر ماده نیست کمالی است جوهری که از برای ماده پیدا می شود بنا بر این رابطه روح و بدن مثل رابطه مرغ و آشیانه نیست بلکه یک رابطه سنخی است یعنی رابطه یک بعد است با سایر ابعاد و در نهایت میپذیرند ماده این استعداد را دارد که در دامن خود موجودی به پرورد

که با ماورا هم بعد شود (ناخواسته نقش خدا را در دمش روح حذف می کنند).

از انجاییکه در ترمینولوژی مسلمین نهایتاً فرقی بین عالم ماده و ماورا نیست پس با تاکید دوباره می گویم روح همان انرژی آزاد شده از سوخت و ساز ماده است که به محض فعال شدن سیستم گوارشی خود نمایی می کند ولی متأسفانه هنوز فلاسفه سعی میکنند به آن شخصیت مستقلی دهند.

*ریشه های خرافات در اسلام ۳

ب : نقش سنت

منظور از سنت در بین اهل تسنن عبارت از تمام مطالبی است که محمد در زمان حیات خود نقل کرده و یا به آن عمل کرده یا نکرده و اکنون توسط پیروان او روایت می شود ولی در مورد شیعه قضیه فقط به یادآوری فرامین محمد ختم نمی شود و پای دوازده امام هم در میان است به این ترتیب از همان ابتدا بین شیعه و سنی اختلاف نظر وجود داشته به عبارت دیگر دلیل اصلی طرح نقش سنت در اشاعه خرافات پژوهش در خصوص اختلافات این دو فرقه اسلامی و مشخص تر شدن درجه اعتبار آن در انتشار خرافه سرایی است. از سویی دیگر کارگردان های انتشار خرافه پردازی به اقوال محمد و امامان اکتفا نکرده و موضوع را به قبل از تولد محمد مرتبط می نمایند و در واقع حکم رسالت محمد را قبل از خدا به ایشان تفیض می نمایند. مثلا وقتی تصمیم می گیرند در مورد سوره الفیل آنرا از حیث تاریخی مهم جلوه دهند می گویند ابرهه در سال مذکور به قصد تخریب کعبه سپاهی از فیل و فیل بانان راهی مکه میکند ولی به طور معجزه آسایی شکست می خورد و کعبه پا برجا باقی می ماند! غافل از اینکه کعبه در آن زمان بتکده بوده (چون هنوز محمد متواد نشده) بنابراین ابرهه تصمیم داشته کار ابراهیمی کند که بت پرستان قریش یعنی خاندان محمد مانع از آن می شوند! و یا می گویند خاندان محمد همه موحد بوده اند اما فراموش می کنند که قریش کلید دار کعبه بوده و کعبه قبل از ادعای پیامبری محمد محل نگهداری

بت های اعراب بوده است. موضوع خرافه پردازی تشیع محدود به این مسائل نیست آنها می گویند آمنه مادر محمد در زمان وضع حمل فرزندش تنها در اطاقی بوده و دو نفر ماما از آسمان می آیند تا در تولد محمد او را یاری کنند! این دو نفر یا باید در رشته مامایی از مدرسه فیضیه قم فارغ التحصیل شده باشند و یا علم لدونی داشته باشند ولی چون آنها امام نبوده اند پس نمی توانسته اند مجهز به این علم باشند! حالا ببینیم ماما های محمد چه کسانی بوده اند حتما تعجب خواهی کرد که بگویم قابله های محمد آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران و مادر عیسی بوده است! اگر مسیحیت که اسلام را اساسا دین خدا نمی دانند بفهمند که چه وظیفه ای را مسلمین به گردن مادر عیسی انداخته اند قطعاً معترض خواهند شد از طرفی کسانی که با اطمینان مدعی حضور این دونفر در زمان تولد محمد می شوند (بدون اینکه در اون اطاق بوده باشند) در تعیین تاریخ تولد او عاجز می مانند. یکی میگویم دوم و یا هشتم و یا دوازدهم ربیع الاول و دیگری میگویم هفدهم و چون سنی و شیعه در این موارد با هم کنار نخواهند آمد بنابر این شیعیان هفدهم را جشن می گیرند و اهل تسنن دوازدهم ربیع الاول را مبنای تولد قرار می دهند و برای اینکه مسائل نامرتبط را زورکی به هم ربط دهند می گویند تولد در سال عام الفیل رخ داده تا محمد آیه ای هم در این مورد نازل فرمایند! آنها هم علیه موجودی که مثل خود او تصمیم به تخریب بتکده کفار داشته است! به هر حال بد نیست که بدانید حکم انتصاب محمد به پیامبری را قبل از خدا این تاریخ نویسان

رویا پرداز به او داده اند. لابد می پرسید چطور؟ شنیده اید که خدا محمد را در چهل سالگی پیامبر کرد ولی حواریون او می گویند وقتی به دنیا آمد هر بتی در هر جا بر زمین افتاد و طاق کسری بلرزید و دریاچه ساوه فرو ریخت و خشک شد و آتشکده فارس خاموش شد و آب دجله شکافت و در آن روز پادشاهان جملگی لال شدند! و ماه دو نیم شد! و تعداد زیادی چرت و پرت دیگر که مورد قبول و پسند انسانهای ما قبل از تاریخ و بعضی ایرانیان مسخ شده است حتی اهل تسنن هم این قصه ها را باور ندارند که ایرانیان فرهنگ باخته انرا پذیرفته اند. اگر آنچه که به نقل از حلیمه دایه محمد گفته اند راست باشد محمد در پنج سالگی فشارهای زیادی را تحمل کرده! از حلیمه نقل شده که یک روز دو نفر می آیند و محمد را با خود به قله کوهی می برند تا او را بشویند! پدر بزرگش اصل موضوع را فهمیده بدنبال نوه اش می گردد تا او را پیدا کند تا اینکه از اسمان ندا می رسد که عبدالمطلب نگران نباش محمد در فلان وادی نزد جبرئیل و میکائیل است!! معلوم میشه خدا قبل از محمد با پدر بزرگ او حرف می زده! بگذریم معجزاتی هم به محمد نسبت داده اند که دانستن آن خالی از لطف نیست. مثلاً می گویند قریش از محمد برای اثبات پیامبری معجزه ای خواست و او با نزول آیه ای ماه را دو نیم کرد (قبلاً گفته بودند در زمان تولد دو نیم شد و یا در قران مدعی شده اند که در روز قیامت دو نیم می شود! و یا میگویند چون نماز علی قضا شده بود محمد دستور داد تا خورشید برگردد تا او نماز بخواند! سومین معجزه محمد ایجاد قحطی و از بین بردن آنست

کاری که خامنه ایی هم بلد است هر وقت رای کم بیاورد دستور می دهد تا اب و برق مردم را قطع کنند تا قدر عافیت بدانند . معجزه بعدی او آوردن انگور و انار از بهشت است ! این معجزه و قران او را از دیگر پیامبران متمایز می کند!خوبه که از بهشت حوری نیاورده !! دیگر معجزات ایشان سلام کردن به سنگ و تکلم با گاو است (گاو اولین موجودی است که مردم را به نبوت محمد دعوت کرد)این دیگر معجزه ایی است که شما هم می توانید از همین الان مدعی آن شوید ولی متاسفاته اگر شما چنین کنید بلافاصله راهی تیمارستان میشوید .ادعای دیگر شیعیان زنده کردن مردگان بدست محمد است که این معجزه خاص مسیح بوده که مسلمین آنرا ربوده اند!

قبل از اینکه محمد حکم رسالت بگیرد پدر بزرگش در سن هشت سالگی و قبل از فوت از او می خواهد تا پنج سنت قریش را در قران بیاورد :

اول: زنان پدران را بر فرزند حرام کن .

دوم : پرداخت خمس به خاندان قریش .

سوم : چاه زم زم را سقایه حاجیان کن .

چهارم : مقرر کردن غرامت صد شتر در کشتن هم نوع .

پنجم : اعمال هفت شرط در طواف .

و محمد هم بعد ها تمام این خواسته ها را در قران گنجانده ! اگر قدری به تاریخ وقایع دوران محمد بپردازیم مشخص خواهد شد که وقتی محمد در سن ۳۵ سالگی بود قریش کعبه را خراب می کند و آنرا از نو می سازند و چون محمد بی اندازه مایل بود که مسلمین به سوی مکه نماز

بخوانند و از اورشلیم روی برگردانند بنابراین با نزول آیه ای خود را از سرزنش یهود که میگفتند خدایت خانه ندارد تا به سوی اونمازگزاری نجات داد. به آیات زیر در این زمینه توجه فرمایید:

ایه ۱۳۶ سوره بقره یا گاو:

مردم نادان اعتراض خواهند کرد که چرا قبله ات را عوض کردی پس به آنان بگو مشرق و مغرب بدست خداست و اوست که میداند (همان روشی که مردم دین دار به آن متکی هستند)

آیه ۱۳۹ : بسا که می بینم گردیدن رویت را در آسمان پس هر آینه عطا می فرما بیم ترا قبله که می خواهی این آیه ۱۵ سال بعد از دریافت حکم رسالت بر محمد نازل می شود بنا براین نگران این نباشید که اگر برای مناری که دزدیده اید قبلا چاه نکنده اید ظاهرا در منش الهی هم مشکلات قبلا پیش بینی نمیشوند که علاج حادثه را قبل از وقوع کنند! بر اساس همین وقایع در تاریخ اسلام است که می گویند محمد در ۲۵ سالگی با خدیجه بیوه ۴۰ ساله در سال ۶۱۸۸ از هبوط آدم ازدواج می کند پرداخت مهر را خدیجه خود متقبل می شود (بنا بر این مهر یک سنت عربی است نه اسلامی چون در این سن محمد هنوز ادعای پیامبری نکرده بود) و ۲۱ سال بعد یعنی در ۶۲۰۹ فاطمه را بدنیا می آورد یعنی خدیجه در سن ۶۱ سالگی و فقط چهار سال قبل از مرگش باز هم دختر دار می شود!! در سال ۶۲۱۷ یا ۶۲۱۸ رقیه دختر محمد که همان سال به عقد عثمان ابن عفان ۶۷ ساله درآمده بود (قبل از عثمان رقیه زن پسر ابو لهب بوده است) از ترس می میرد ولی

مورخین اسلامی میگویند از حصبه مرد و فاطمه در ۶۲۱۸ یعنی ۹ سالگی به عقد علی فرزند ابوطالب متولد ۶۱۹۳ در میاید در همین سال ام کلثوم دختر دیگر محمد به عقد عثمان ابن عفان در آمد (قبل از عثمان ام کلثوم هم زن پسر ابو لهب بوده است) که در شب زفاف طاقت نیاورده و او هم می میرد (معلوم میشه محمد دختران را زنده به گور نمی کرده بلکه آنها را زنده زنده به بهشت می فرستاده) و چند ماه بعد فاطمه در سن ۹ تا ۱۰ سالگی از پسر عموی پدرش (یعنی کسی که در ۱۰ سالگی به پسر عمویش ایمان آورده) صاحب دو فرزند به فاصله شش ماه میشود (قافیه چو تنگ آید شاعر به جفنگ آید البته ممکنه فاطمه تخم گذار بوده باشد) بر همین پایه در ۶۲۱۳ خدیجه میمیرد و در ۶۲۱۴ محمد در سن ۵۱ سالگی با سوده ازدواج می کند تا از فاطمه که در سن پنج سالگی بود مراقبت کند ولی در همان موقع محمد با عایشه دختر ابوبکر (سردار سپاه محمد) هم که در سن ۶ سالگی بود ازدواج میکنند تا خودش هم از زندگی بهره ببرد اما باز هم ۵ سال بعد تزویج دیگر محمد با حفصه دختر عمر (سردار دیگر سپاه اسلام) که ۲۶ سال داشت رخ می دهد و یک ماه بعد او با زینب دختر خزیمه (سرداری دیگر) ازدواج می کند. پس در این سن محمد فقط دو دختر به نام های زینب (که زن ابی العاص کافر بود و ابی العاص پسر دایی زینب بود که این دو یعنی زینب و ابی العاص دختری به نام امامه داشتند که بعد از مرگ فاطمه و بنا به وصیت او امامه زن علی شد یعنی علی با دختر خواهرش ازدواج کرد به این ترتیب علی داماد پسر دایی فاطمه و داماد داماد محمد هم بوده

است چون با نوه محمد ازدواج کرده) و فاطمه داشت و دو نوه به نام های حسن و حسین و چهار زن که عایشه یکی از آنها و در سن ۱۱ سالگی بود. فرزندان دیگر او به نام های طاهر و قاسم و ام کلثوم و رقیه همه مرده بودند کسی که مرده را زنده می کرد نتوانست یک پسر را برای خودش زنده نگه دارد تا حکومت او دم بریده نشود! در سال ۶۲۲۰ مصادف با چهارم هجری محمد با ام سلمه و ۶۲۲۱ مصادف با پنجم هجری با زینب دختر جحش ازدواج کرد و در این سال آیه حجاب را نازل نمود یعنی مسلمین ۱۸ سال از رسالت محمد بی حجاب بوده اند و خدا در این ایام با حجاب مشکلی نداشته ازدواج های محمد تمامی نداشت و در سن ۶۰ سالگی با ام حبیبه دختر ابو سفیان یعنی دختر پسر عمویش ازدواج کرد(به این ترتیب محمد داماد پسر عمویش می شود از انجایی که یزید و معاویه پسران ابوسفیان هستند پس از یک طرف برادران زن محمد و از طرف دیگر پسران پسر عمویش هم میباشند دقت شود معاویه نیز پسری به نام یزید داشت که نوه پسر عموی محمد و فرزند برادر زن محمد است او با حسین پسر علی که نوه محمد است بر سر خلافت جنگید) البته محمد به همین تعداد اکتفا نکرده به غیر از ام هانی خواهر علی (که باعث شد رابطه علی و فاطمه به طور سببی دایی و خواهر زاده شود) و زینب زوجه زید یعنی زن پسر خوانده اش(که باعث شد رابطه محمد و زید نیز به طور سببی به رابطه عروس و پدر شوهر تبدیل شود) و خواهر میمونه و تعداد زیادی هم کنیز در املاک خود داشته که از ان جمله کنیزی جنجالی به نام ماریه

قبطیه است که پادشاه اسکندریه از ترس جان او را به محمد هدیه کرده بود. در سال هشتم هجری مصادف با ۶۲۲۴ از هبوط آدم محمد در سن ۶۱ سالگی از ماریه صاحب پسری می شود که نام او را ابراهیم می گذارد ولی باز هم فنون معجزات محمد کار ساز نشده و دو سال بعد از تولد ابراهیم هم می میرد. اما در زمان محمد در مورد ازدواج او با زن پسر خوانده اش مطالبی گفته شد که محمد را خوش نیامد پس آیه ای نازل کرد تا دهان دشمنان را ببندد :

* سوره ۳۳ آیه ۳۷ : پس چون گذارد زید از او پس تزویج کردیم به تو تا نباشد با کسی بر مومن که با زن پس خوانده اش ازدواج کند..... واقعا محمد سو استفاده از موجود خیالی به نام خدا را به حد اعلا کشانده و شخصیت این موجود خیالی را تا حد کارگزار خود تقلیل داده تا همگان بدانند که خدا را محمد خلق کرده تا روی کثافات او در پوش گذارد. و اما در خصوص ماجرای ماریه و محمد که در آیه اول از سوره تحریم به آن اشاره شده خدای محمد میگوید: چرا چیزی را که بر تو حلال کردیم حرام می کنی تا زنان را خشنود سازی؟ اولاً بدون توجه به شان نزول آیه میتوان براحتی استنباط کرد که محمد بر خلاف میل خدا عمل کرده او حلال خدا را حرام کرده او در مقابل خدا از خود قانون وضع کرده لذا این هشدار را دریافت نموده در حالیکه حضرت آدم هم فقط یک بار خلاف کرده بود که از بهشت رانده شد! در ثانی مستند به شان نزول بجا مانده از روحانیون ماجرا از این قرار است که روزی محمد با کنیزش ماریه در خانه حفصه معاشرت

می کرد دختر عمر یعنی حفصه از راه می رسد و او را در حین جماع می بیند و به او می گوید چرا در خانه من با او جماع کردی و محمد می گوید اینرا به عایشه نگو و در ازایش قول می دهم ماریه را بر خود حرام کنم. اما حفصه قضیه را به عایشه می گوید و محمد مقابله به مثل کرده و تمام زنان را بر خود حرام می کند تا اینکه به او فشار آمده و این آیه را نازل می کند. نکات مهم در این ماجرا این است که محمد با کنیزش در ظاهر فعل حلالی انجام می داده ولی وقتی از همسرش می خواهد که ماجرا را باز گو نکند پس یک اشکالی در کار بوده شاید هنوز پادشاه اسکندریه سند ماریه را به نام نزده بوده! از طرف دیگر حتی مردان بی وجدان وقتی تصمیم می گیرند با زن دیگری معاشقت کنند او را با خانه همسر اصلی اش به علت نداشتن جا نمی برند حد اقل این است که او را به یک هتلی یا کوه و کمری می برند که از چشم نزدیکان دور باشد. موضوع دیگر این است که این دو زن راز محمد را فاش کردند زنان دیگر چه گناهی داشتند که می بایست مدتی بی شوهر بمانند؟ گناه ماریه چه بوده که محمد می گوید او را حرام خواهم کرد؟ از طرفی مگر کنیز را هم حرام می کنند اینها که بنا به گفته محمد زن آزاده نیستند که حرام شوند مگر اینکه به کس دیگری فروخته شوند!

بیایید به دور از تعصب باردیگر در آنچه که سینه به سینه آموخته ایم باز نگری کنیم شاید راه نجات میهن عزیزمان را در آن بیابیم.

*ریشه های خرافات در اسلام ۴

سنت در شیعیان که بسیار غلیظ تر از تسنن است بلایی بر سر دین محمد آورده که بهتر است انرا از زبان مشهورترین شیعه یعنی ملا محمد باقر مجلسی بشنویم وی دانشمند ترین !! و معتبر ترین راوی احادیث است که با امام زمان شیعیان نیز حشرو نشر داشته است .

ب : ادامه نقش سنت

به سند معتبر منقول است از محمد به علی فرمود: یا علی انگشتر طلا در دست نکن که ان زینت تو در بهشت است و جامه حریر میپوش که ان جامه تو در بهشت است.

همان موضوعی که قبلا هم بدان اشاره شد منظورم اینه که محمد چیزهایی را بر پیروانش حرام می کرد یا مصرف انرا منع می نمود که ما یل بود وعده انرا در بهشت بدهد.

در حدیث دیگر قدری شدید تر می گوید :جامه حریر میپوش که خدا در روز قیامت پوستت را به آتش می سوزاند.

از صادق منقول است : جامه پشمی نپوشید مگر عذری داشته باشید.

از محمد منقول است :تا مرگ پنج کار را ترک نخواهم کرد جامه

پشمینه پوشیدن !!-بر الاغ جل دار سوار شدن -با سه انگشت غذا

خوردن

از محمد منقول است : در اخر زمان گروهی بهم رسند که جامه پشمینه

در تابستان و زمستان بپوشندان جماعت را لعنت کند ملایکه

اسمانها و زمین .

بالاخره نفهمیدیم جامه پشمی بپوشیم یا نپوشیم؟
از محمد منقول است: عمامه تاج عریان است هر گاه عمامه را بر طرف
کنند خدا عزتشان را بر طرف می کند.
برای همین است که زمامداران امروز ایران با این پوشش ما قبل تاریخ در
اجتماعات ظاهر می شوند تا نزد طرفدارانشان عزیز باقی بمانند.
از محمد منقول است: هر که جامه زیر را ایستاده بپوشد تا سه روز
حاجتش برآورده نمیشود.
یکی نبوده بهش بگه اگر زمین فقط سرامیک بود و چند تا زیرانداز کثیف
انوقت تکلیف چیست؟
از علی منقول است: چون جامه از تن بیرون آورید "بسم الله" بگویید تا
جن انرا نپوشد.
اگه دور و بر مون اینهمه جن هست که تا غافل شویم لباسمون را می
پوشند پس باید نیروی انتظامی یه زندان هم برای جن ها تدارک ببیند.
علت اینکه ایرانیان اسلامگرا هر وقت یه جا وارد میشوند و بسم الله
میگویند واسه اینه که می خوان جن و فرار بدهند آخه از بچگی یادش
دادند جن و بسم الله .
از باقر منقول است: هر که یک پا در کفش و یک پا برهنه راه رود
شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود!
بازم بگید علت دیوانه شدن انسانها از فشار های عصبی و الودگیهای
صوتی است!

از صادق منقول است: که انگشتر پیامبر از نقره بود و نگین نداشت و بر آن حک شده بود محمد رسول الله!!
فکر کنم بر کف کفشش هم نوشته بود محمد رسول الله تا مردم یادشون نره.

از صادق منقول است: که سرمه به چشم کشیدن دهان را خوشبو کند!
من نفهمیدم گودرزی و شقایقی چه ربطی با هم دارند!
از محمد منقول است: هر که در ظرف طلا و نقره آب بخورد در بهشت از آن محروم می شود!!
از سنت پیامبر است که نان را با کارد نبرد - با کمتر از سه انگشت غذا نخورد- بعد از خوردن غذا انگشتان و کاسه را لیس بزند.
اینها رو باید امامان جماعت در نماز به مردم یاد اور شوند تا در مصرف مواد شوینده صرفه جویی شود. واسه همین است که حیوانات به مواد شوینده نیاز ندارند اونها همه بعد از خوردن غذا بدنشان را لیس میزنند.
از رضا منقول است: که در بدن رگی است که عشا نام دارد و هر که شب غذا را ترک کند آن رگ او را نفرین کند

قابل توجه پزشکان محترم برای کشف این رگ حیاتی در بدن که با انسان در ستیز است.

از محمد منقول است: هر که بعد از غذا انگشتان خود را بلیسد و بمکد خداوند او را برکت دهد.

واسه همینه که سفره روحانیون رنگین شده و تو فقیر شدی حا لا هی به حرف گوش نکن بگو اینا خرافات !

از جعفر منقول است: که بعد از شستن دست برای طعام انرا خشک نکن
زیرا تا تری در دست هست برکت در طعام هست.
بازم برو حوله برق لامع بخر! آخه تا کی می خوای در برابر سنت پیامبر
قد علم کنی کنی؟

از جعفر منقول است: سه چیز انسان را بکشد۳ - جماع با زنان
پیر.

بچه این راه خود کشی از بقیه راه ها آسان تره سمت برق و اسمان
خراش نرو!

از باقر خبر رسید: که شخصی زنی خواست در ساعتی که هوا گرم بود
حضرت فرمود گمان نکنم میان آنها الفت بهم رسد و جدا شوند!
انهایی که الان در دادگاه های خانواده هستند و میخواهند از هم جدا
شوند یادشون باشه که دیگه در هوای گرم آشنا نشوند تا به این روزگار
بیافتند!!

از صادق منقول است: نباید مرد را دخول کردن در شب چهارشنبه که
فرزندان مبتلا به دیوانگی و خوره و خیط دماغ می شود.
دلیلش کاملا علمی است چون چهارشنبه وقت قرعه کشی است نه لوله
کشی و کارهای های دیگر!

سفارش محمد به علی: در وقت جماع سخن نگو که فرزندت لال می
شود

(اگر شما لال هستید کار پدرتون را با فرزندتون نکنید)
و حین جماع در فرج زن نگاه نکن فرزندت کور می شود.

(چرا می خواهید در هر کاری کنجاوی کنید و سر از هر چی در آورید تا
فرزندتان به این روزهای تاریک برسد).

به شهوت زن دیگر و فیلم های پورنو با زنت جماع نکن که فرزندت
مخنت می شود.

(آقا اگه مشگل کم کاری جنسی داری چرا سراغ این فیلمها میری و سر
بچه ات بلا می آوری).

هر که با زنش جنب بخوابد از آسمان آتش فروریزد و انها را بسوزاند.
(این چند مورد خود سوزی که تا حالا برای بشر رخ داده علتش پیدا
شدا)

ایستاده با زن خود چون خران جماع نکنید که فرزندتان هر شب در
رختخواب بول کند.

(این بچه هایی که شب ها جیش می کنندرا دکتر نبرید خودتان
مقصرید !)

در شب عید فطر جماع نکن که فرزندت شش انگشتی می شود. (اینم
یکی از راه های شش انگشتی شدن بشر)

زیر درخت میوه جماع نکن که فرزندت جلاد و کشنده مردم و سرکرده
ظلم می شود .

(به این ترتیب مسولین نظام جمهوری همه زیر درختی اند!)

در آفتاب جماع نکن که فرزندت پریشان و بد حال می شود تا بمیرد.
(قابل توجه پژوهشگران تا در خصوص اثر آفتاب بیشتر تحقیق کنند)

بین اذان و اقامه جماع نکن که فرزندت جری به خون ریختن می شود.

(برای استخدام شکنجه گرها در این خصوص تحقیق کنید تا خونخواران واقعی را وارد وزارت اطلاعات کنید)
یا علی در شب نیمه شعبان جماع نکن که فرزندت شوم می شود و لکه سیاهی بر چهره اش می نشیند.
(این ماه گرفته ها باید نیمه شعبانی باشند!)
آخر شعبان هم جماع نکن که فرزندت یاور ظالمان شده و بسیاری از مردم را هلاک می کند.
(به روز تولید بنیان گزار جمهوری اسلامی هم واقف شدیم .)
یا علی در پشت بام جماع نکن که فرزندت منافق می شود.
(به این ترتیب منافقین هم بچه های پشت بامی هستند)
اگر کسی همت نموده و کتاب حلیه المتقین را به انگلیسی ترجمه کند و انرا انتشار دهد خدمت بزرگی به جامعه مسلمین ارزانی کرده برای این که حیف است شیعیان بدلیل عدم اطلاع از این احادیث حیاتی روانه جهنم شوند!!

*ریشه های خرافات در اسلام ۵

ب : ادامه نقش سنت (کلید داران کعبه)

کلید دار کعبه یک مرد وحشی از اعراب به نام ابو غبشان بود او دختری به نام حبی داشت که زن قصی از قوم بنی کلاب بود معنای فارسی کلاب یعنی سگها بنابراین بنی کلاب یعنی پسران سگها ! قصی در یک مهمانی ابو غبشان را مست میکند و کلید کعبه را در ازای شراب با او معامله می کند واز این تاریخ بنی کلاب کلید دار کعبه می شود . از حبی و قصی پسرنی باقی می ماند معروفترین آنها عبدالدار و عبدالعزی و عبد القصی و عبد مناف هستند . بعد از قصی مسئولیت کعبه به عبدالدار واگذار می شود . در این بخش از گوناگون خاندان عبد مناف را معرفی می نماییم . پسران عبد مناف عبارتند از هاشم و عبدالشمس و نوفل و المطلب . هاشم و شمس از پیشانی به هم متصل بودند که آنها را با شمشیر جدا می کنند ! بعد از عبدالدار کلید کعبه به هاشم سپرده می شود که موسس قوم بنی هاشم است بعدا کلید به المطلب واگذار می شود که او هم آنرا به یکی از پسران هاشم به نام شیبه می دهد هاشم دو پسر داشت شیبه و اسد . شیبه در مدینه نزد مادرش زندگی می کرد که المطلب عموی او به آنجا رفته شیبه را می آورد و فامیلش فکر می کنند که او برده ای خریده پس اسم شیبه را عبد(بنده)المطلب می گذارند عبدالمطلب پدر بزرگ محمد بنا به خواست المطلب کلید دار کعبه می شود او ده پسر و شش دختر داشت ولی ابتدا فقط یک پسر به نام **حارث** داشت و نذر می کند که اگر صاحب ده پسر شود یکی را قربانی کند ! و

چون به خواستش میرسد تصمیم میگیرد تا یک پسر را بکشد که قرعه به نام عبدالله پدر محمد می افتد ولی جادوگری پیشنهاد می کند که به جای او ده شتر بکشد به شرطی که قرعه بین عبدالله و شتران به نام شترها بیافتد و اگر چنین نشود ده شتر دیگر اضافه شود تا نهایتاً قرعه به نام شتران باز شود بالاخره وقتی تعداد شتران به صد می رسد قرعه کشتار نصیب شتران می شود از آن تاریخ تا به امروز این دیه در اسلام رایج شده و عبدالمطلب از نوه اش می خواهد تا این سنت را در قران بیاورد و محمد هم بعد از رسالت آنرا از زبان خدا باز گو می کند .

ابو لهب پسر دیگر عبدالمطلب است که زنی به نام ام جمیل داشت او خواهر ابو سفیان و دختر حارث بود که بعدها خدای محمد این زن را حماله الحطب نامید به این ترتیب محمد عمو و زن عموی خود را از طریق خدا به جهانیان معرفی می کند و ایرانیان مذهبی تبت یدا ابی لهب گویان راهی کعبه می شوند تا مزد خود را در بهشت بگیرند غافل از این که محمد دختر عمویش را ول نمی کند که شفاعت یک مجوس کند. دقت کن عموی محمد با دختر عموی محمد ازدواج کرده یعنی ابو لهب دختر برادرش را گرفته! فرزندان حارث عبارتند از ابو سفیان (که برادر رضایی محمد و پسر عموی او بود) مغیره - نوفل - ربیعہ - عبد شمس و دختری به نام ام جمیل بوده اند. از ابو لهب و ام جمیل فرزندان بوجود می آیند به اسامی **عتبه** (داماد محمد و یا شوهر اول رقیه) و **عتیبه** (داماد محمد و شوهر اول ام کلثوم) و **معتب** و **دره** به عبارت دیگر محمد دخترش را به کسانی می دهد که مادرشان حماله

الحطب نام داشت برای همین که میگم تو ایرانی مجوس را سنه نه که تلاش میکنی خودت قاطی این ایل و تبار کنی که راه هم بهت نمی دهند! از نوفل پسر حارث هم فرزندان باقی می ماندند از جمله **مغیره** که بعد از علی با امامه نوه محمد که دختر ابی العاص کافر بود ازدواج می کند که یحیی فرزند ایندوست. **عباس** با لقب ابوالفضل پسر دیگر شیبه ولی از مادری به نام ضرارنتیله است. عباس نه پسر و سه دختر داشت. ام حبیب نام یکی از دختران عباس بود مادر این دختر لبابه نام داشت که دختر حارث هلالی بود خواهر لبابه دختری به نام "بره" بود که محمد با او ازدواج میکند یعنی محمد با خواهر زن عمویش ازدواج میکند و نام او را به میمونه تغییر می دهد. پسران دیگر عبدالمطلب عبارتند از **ضرار** - **مقوم** - **غیداق** - **زبیر** - **ابو طالب** - **حمزه و عبدالله**. توضیح این که مادر ابوطالب و عبدالله و زبیر زنی به نام فاطمه از قوم مخزوم است. **ابوطالب** که اسم اصلی او **عبد مناف** بوده بعد از شیبه کلید دار کعبه می شود ولی به دلیل شکست تجاری آنرا به عباس فرزند دیگر شیبه و عموی دیگر محمد می سپارند ابو طالب چهار پسر و دو دختر داشت. پسران او طالب- عقیل - جعفر طیار- علی و دختران ام هانی (فاخته) و جمانه نام دارند. تمام اینها مادرشان فاطمه دختر اسد است که اسد هم پسر **هاشم** بوده است. یعنی ابوطالب با دختر برادر پدر بزرگش ازدواج کرده. و اما ام هانی ابتدا زن ابو وهب مخزومی می شود و بعد از او به عقد محمد در می آید تا علی و فاطمه حکم دایی و خواهر زاده پیدا کنند. جمانه هم زن ابو سفیان پسر عموی محمد و علی میشود

تا رابطه معاویه و جمانه به نامادری و پسر شوهر تبدیل شود..گفتیم عبدالمطلب شش دختر هم داشت که حالا معلوم نیست که محمد با داشتن شش عمه قبل از رسالتش کدام دخترها را از زنده به گور شدن نجات داده! امیمه یکی از عمه های محمد است که دختری به نام زینب داشت که ابتدا زن زید پسر خوانده محمد بود و لی بعدا سوگلی و رقیب عایشه می شود.و اما **بره** عمه دیگری از محمد است که پسری به نام ابو سلمه داشت همسر او ام سلمه بود و محمد بعد از فوت ابو سلمه با ام سلمه ازدواج می کند یعنی زن پسر عمه اش را هم می گیرد.و اما صفیه عمه دیگر محمد زن برادر خدیجه میشود که بعدا محمد شوهر خواهر شوهر عمه اش میشود.و اما **حمزه** پسر دیگر عبدالمطلب در جنگ احد کشته می شود و هند زن پسر عموی محمد جگر او را خورد.معرفترین فرزند شبیه نزد ایرانیان **عبدالله** و همسر او آمنه عبد مناف است کسی که فرزندش مدعی پیامبری میشود و اعراب را عزتی با لاتر از استحقاقشان می بخشد محمد پس از جنگ های بسیار با لا خره کلید کعبه را از پسر عمویش عبدالله (فرزند عباس) می گیرد و آنرا به عثمان پسر طلحه میدهد. از محمد و خدیجه و محمد و ماریه فرزندان به جای می ماند که محمد را مقطوع النسل می کنند آنها رقیه - کلثوم - زینب - طاهر - قاسم - فاطمه و ابراهیم (فرزند ماریه) نام داشتند سرنوشت تعدادی از آنها قبلا بیان شده و در خصوص فاطمه هم اطلاعات لازم را دارید و اما ابوسفیان به غیر از جمانه دخت ابو طالب زن دیگری به نام هند داشت که از ایندو فرزندان به نام ام حبیبه - معاویه و یزید(این

اون یزید نیست که حسین را کشت) به جای می ماند ام حبیبه زن محمد می شود تا رابطه هند جگر خوار و محمد به مادر زن و داماد مبدل گردد و معاویه که بنی امیه را از او می دانند پسری به نام یزید داشت که حسین فرزند علی را می کشد. و علی هم پس از فاطمه و امامه و خوله با ام حبیبه دختر برادر ابو سفیان تزویج می کند که رقیه کبری فرزند ایندو است و بعد از او علی با ام البنین کلابی ازدواج می کند و صاحب چهار اولاد می شوند به اسامی عباس (معروف به قمر بنی هاشم) - جعفر - عثمان و عبدالله اکبر که همگی به دست برادر ام البنین یعنی شمر جان می سپارند. در واقع فرزندان علی و محمد به دست فرزندان جد خود کلابیان کشته می شوند.

نگاهی اجمالی به زندگی اعراب وحشی که بر سر کلید کعبه سالها در ستیز بوده اند نشان می دهد تمامی خاندان محمد چشم به درآمد کعبه داشته اند و در بین تمامی آنها محمد موفق می شود منابع درآمدی اعراب را از قوم عرب تا اقصی نقاط دور توسعه دهد و امروز در آسایش درآمد خانه خدا که بیش از درآمد نفتی آنهاست در اسایش زندگی کنند و ایرانیان نادان در حسرت بک زندگی مرفه در خانه بنشینند روضه قمر بنی هاشم بر قرار کنند و در سوک حسین سینه زنی کرده اموال ملی را به سبب قتل حسین حیف و میل کنند تا در برابر اعراب روز به روز فقیر تر و ناتوان تر گردند.

بنا به فرمایش امام سیزدهم خمینی فاتح ایران در قرن بیستم بر ابا عبدالله گریه کنید که ایران را اعراب گرفتند و دیگر کاری از دستتان ساخته نیست چون عقل شما را هم ما اعراب کلابی تسخیر کرده ایم .

*اجتهاد و مجتهد واژگانی بی اساس .

*ریشه های خرافات در اسلام ۶

ج : نقش اجتهاد و مجتهد

یکی از شایعترین و حتی مقدس ترین کلمات نزد شیعیان کلمه اجتهاد است . این کلمه سنی بوده و بعدا بدست حلی در قرن هفتم شیعه شده جای تردید نیست که این کلمات در هیچیک از سخنان به جای مانده از محمد و امامان شیعه به کار نرفته و مخترع آن فقط شخصی به نام علامه حلی است! در واقع این شخص نان امروز خمینی و خامنه ایی را در کاسه اش قرار داده به این ترتیب مجتهد از دیدگاه محمد و امامان شیعه برای شیعیان یعنی دکان حکومت مداری . از بچگی بهت یاد دادند در اصول دین باید تحقیق کنی ! (این فقط برای کفاراست نه بچه مسلمان) ولی در فروع دین باید از یک مجتهد اطاعت کنی! و مجتهد هم موجودی است که محمد و دار و دسته او ذکری از آنها نکرده اند و نه آنها قبلا این کلمه را بر خود و اصحابشان اطلاق کرده اند پس هیچ اعتباری براین واژه قایل نیستند الا شیعیان ایرانی که پیامبرشان علامه حلی است. او بنیانگذار شیعه امروزی و بانی اصلی خرافات مذهبی در ایران است . حلی در سال ۶۴۸ هجری در عراق تولد یافت و در دربار سلطان محمد خدابنده زندگی می کرد و هم او بود که سلطان را وادار به قبول شیعه کرد . نا گفته نماند که دلیل فرقه حلیون (شیعیان ایرانی) از پیدایش واژه مجتهد ذکر واژه فتوی در یکی از سخنان باقر و صادق است. صادق گفته " از فتوی بترس آنطور که از شیرمیترسی !!! از همین

سخن نورانی بود که حلی فهمید ایرانیان به مجتهد نیاز دارند!!! در حالی که حنفیان (موسس آن ابو حنیفه) و حنبلیان (موسس آن احمد ابن حنبل) مالکیان (موسس آن مالک ابن انس) و شافعیان و داود ابن علی ظاهری که همگی از اصلی ترین فرق اهل تسنن هستند اجتهاد را نوعی شرک و بدعت در اسلام می دانند هنوز پاره ای نادان در ایران به دنبال عقب مانده ترین انسانهای روی کره زمین و حسینا کرده و همچون بار برترین چارپایان(الاغ)به دنبال فتوایی تازه برای ترور انسانها میگردند. وقتی موجود کثیفی که رهبری یک فرقه تروریستی به نام حماس را عهده داراست به درک واصل میشود تعدادی ابله که نام ایران و ایرانی را لکه دار کرده اند در خیابان ها آمده عر عر کنان برای احمد یاسین به سوک می نشینند بدون اینکه بفهمند برای چه جانوری اشک می ریزند!!!با توجه به اینکه اجتهاد - مجتهد و فتوی هیچ محلی از اعراب در اسلام ندارند بنابراین تمام آنچه را که علمای شیعه نظیر خمینی و سایر دست آموزان انگلیس در رسالات خود آورده اند را یک سره و بدون کم و کاست خرافات دانسته و آنرا حربه ایی برای به استحمار کشیدن ملت ایران می دانیم. بروید هر نوع رساله ایی در خانه هایتان را به زباله دان تاریخ ریخته کاستی هایتان را با کتابهایی نظیر شاهنامه و دیگر نویسندگان ایرانی پر کنید. باشد تا بزودی فرهنگ غنی خود را بازیابید.

*عقل در حیرت از همنشینی با ارکان دین .

*ریشه های خرافات در اسلام ۷

د : نقش عقل

دقیقا معلوم نیست که چه کسی عقل را با سایر ارکان دین قاطی کرده ولی هر کس از عقلش استفاده کنه فاتحه ارکان دین را خواهند خواند در واقع عقل نقطه مقابل هجویات مندرج در کتاب و سنت و اجماع است میگی نه پس دنبال مقالات را بگیر:

در انسان یک خاصیتی هست به نام جستجوی حقیقت که عقل رهبری این حس را عهده دار است اگر انسانی به چیزی شک کند در آن موضوع کاوش می کند و اگر در مفهومی تحقیق کند یقینا آنرا تکمیل تر میکند برای همینه که روحانیون می گویند در هر موضوعی میتوان شک کرد مگر در دین چون در دین هدف یقین است و ایمان آنوقت ایمان است که توام با یقین باشد پس شک در دین بد است لابد شنیده اید که بعضی ها می گویند "لا تجسس فی الدین" به عبارتی شک در دین حرام است بنابر این عقل در دین مزاحم است چون ایحاد شک می کند. در هیچ جای قران نمی بینید که مردم را به شک دعوت کنند همه جا دعوت به ایمان است. اما آنها برای خودشان شک خوب هم دارند! چرا که مستند به قران میگویند:

سوره الزخرف آیه ۲۱

ما كَذَّبْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِطُرُقٍ أُبَيِّدُكُمْ بِهَا وَبَدَّلْنَاكُمْ عَنْ دِينِكُمْ أَنْتُمْ لَمْ تَكُونُمْ أَعْقَابًا .
اینجاست که محمد می گوید به کار گذشتگان خود شک کنید! و به

دنبال من بیایید تا دیگر از هر چه شک است خلاص شوید مگر شک در تعداد رکعت خوانده شده در نماز که آنهم از اجماع آقایان سر درآورده و بدعتی از سوی شیعیان حلی گرا در دین ناب محمدی است .

پس در اسلام یک شک مجاز داریم که به آن شک مقدس میگویند و مفهوم آن این است که اگر پدر و مادرت گفتند به راه اسلام نرو تو مجازی که شک کنی و به دروازه تمدن محمد گام برداری تا از حوریان بهشتی بهره ببری به شرط آنکه زنت خوشگل نباشه چون محمد اونو تور خواهد زد. حالا ببینیم در بخش عقل به سوالات زیر چطور میشود جواب داد؟

(۱) معنی عقل با لقوه چیست ؟

(۲) آیا عقل فعال منفعل هم هست ؟

(۳) آیا قوه عاقله بسیط کامل است ؟

(۴) چگونه عقل صور خیالیه را مطالعه میکند؟

(۵) چه برهانی بر مجرد عقول فعاله است؟

(۶) آیا عقل مجرد است ؟

ارسطو دکارت بو علی سینا ملا صدرا و تقی جعفری یکسری حرفهایی در این زمینه ها گفته اند که به درد کلاس و مدرسه می خوره و در زندگی اجتماعی مردم اثری ندارند اما برای اینکه شما هم از درک این مطالب بی نصیب نباشید آنها را به زبان ساده تر به نقد خواهیم کشید تا بدانید مجرد بودن و یا بسیط بودن عقل راه نجات اسلام و زن بارگی محمد نیست. مسلمین می گویند عقل بودن با بالقوه بودن سازگار نیست چون

آنها عقل را مجرد میدانند و مجرد بودن میتواند با بالفعل بودن مساوی شود به زبان ساده تر آنها عقل را که ادراک معقولات میکند مجرد از ماده میدانند و بر این پایه آنها بالقوه نمیدانند و بعد تجرد عقل را به چند شاخه تقسیم میکنند تا نهایتاً بگویند سرچشمه عقل خداست و رودخانه آن محمد است .

افلاطون مدعی است نفس در عالمی قبل از این عالم بوده و در آنجا با حقایق آشنا شده بعد اومده در بدن حبس شده و بدن مانع نفس در ابراز دانشش شده پس هر چه را که بشر کشف میکند قبلاً آنرا نفس بلد بوده به این میگویند مجرد بودن و بالفعل بودن عقل مثل روح .محمد هم که خدا را دانا به هر چیز عنوان کرده در واقع به شیوه افلاطونی عقل را تعریف کرده با این تفاوت که بعداً پیروان او با تقسیم بندی عقل به مجرد تام مانند عقل قاهره که از ماده بی نیاز است و مجرد غیر تام مانند نفس ناطقه که به ماده نیاز مند است نظریه افلاطون را باصطلاح خودشان تصحیح میکنند همان کاری را که با روح کرده اند .به عبارتی مسلمین شیوه کاملاً یکنواختی در بیان موهوماتی که ساخته اند دارند.و تکمیل کننده این چرت و پرتها نهایتاً ملا صدراست که می گوید هر

معقولی در مرتبه خود عاقل هم هست و بین عقل و عاقل و معقول اتحادیست که برپایه فرضیه حرکت جوهری به سوی معبود میشتابند.و اما ارسطو گفته حالت نفس آنگاه که تعقل می کند مثل حالت سیبی است که داره شیرین و قرمز میشه . به این نوع اندیشه در تعریف عقل میگویند اندیشه ارسطویی که همان عقل بالقوه است. بر اساس این تفسیر

ماده قابلیت اندیشیدن را در خود دارد و هم زمان با رشد سلول های مغز قوه اندیشیدن شکوفا تر می شود. حالا شما بگویید عقل بالقوه است یا بالفعل؟ یقیناً شما هم خواهید گفت که عقل بالقوه است پس مجرد نیست یعنی بدون بدن وجود ندارد و چون مجرد نیست بسیط هم نیست و چون بسیط نیست نوع قاهره آنها نمی تواند وجود داشته باشد. و اینهم راه دیگری بر نفی وجود خداست. پاسخ به دیگر سوالات هم شبیه به همین است که فقط به علاقمندان جواب آنها داده خواهد شد.

بریم سر اصل مطلب و ان اینکه مجرد بودن یا نبودن عقل چه ربطی دارد به اینکه محمد مدعی پیامبری شود و به خود اجازه دهد در مدت ۲۳ سال بیش از ۲۵ زن و کنیز بگیرد و خانه خدا را ببرد مکه و زنان ایرانی را به اسارت بگیرد و کتاب خانه های ایران را همچون چنگیز به آتش بکشد برید خجالت بکشید و دست از سر این ملت بی دفاع بردارید.

* آیات ترور با جواز محمد در تازی نامه !

مسلمین می گویند دین اسلام دین رحمت و شفقت است و خدای محمد با خدای سایر ادیان فرق دارد چرا که خدای مسیحیت جنگهای صلیبی را مجاز کرد و میگساری را منع نکرد و خدای یهود کشتن مسیح توسط یهودیان را مجاز کرد و مسجدالحرام را از مسلمین گرفت تا اینکه خدای محمد در برابر خدای موسی ایستاد و خانه خود را در مکه بنا کرد
حالا ببینیم قسم روباه را باور کنیم یا دم خروس را!!!

سوره ۹ آیه ۳۰:

و بجزنگید با آنان که..... و یهودیان که گفتند " **مذیر** " پسر خداست و مسیحیان که گفتند " **مسیح** " پسر خداست و اینان مانند کسانی هستند که کافر شدند

رحم و شفقت محمدی هم تعریف خاص خودشو داره و بازی با الفاظ برای توجیح جنایت در اسلام هم شیوه خاص محمد و طرفداران جانی اوست. آنها مخالفین خود را ملعون می نامند و جزای ملعون فقط مرگ است !! فرمان خدای محمد را بشنو:

سوره ۳۳ آیه ۶۱:

هر کجا ملعونی یافته او را گرفته و بکشید کشتنی بلیغ .
از نظر خدای ساختگی محمد حتی نوع کشتن مخالفین اسلام هم متفاوت است مثلا به کشتن انسان ها با صفت ملعون (لعنت شده) میگویند بلیغ.

بعبارتی در اسلام مدلهای دیگر کشتار هم داریم مثلاً به کشتن پل جانسون و نیک برگ و پوست کندن سربازان امریکایی میگویند تمام بلیغ و به کشتن زهرا کاظمی که جرمش فضولی در اداره حکومت اسلامی است می گویند نیمه بلیغ .چرا که معلوم نخواهد شد که سرش را از فرط دیوانگی به سنگ زده و یا سنگ آسمانی به سرش اصابت کرده و معنی آن این است که خدا از آسمان سنگ را فرستاده نه نیروهای انتظامی که همچون ملائک پاک و معصوم هستند!!!! به عبارتی دیگر اکثر اوقات خدا به کمک مسلمین شتافته و وارد صحنه کشتار می شود و سلاح او هم ابزار طبیعی است .

ملعون واقعی از نظر اسلام کیست؟

مسلمین به تمامی مسیحیان و یا یهودیان میگویند ملعون و بنا بر فرمان خدای محمد هر کجا ملعونی یافتید باید او را بکشید . قضیه به این دو فرقه ختم نمی شود چون بنیادگرایان اسلام شیعیان را هم ملعون می دانند پس آنها هم از این قائده مستثنی نیستند ولی چون وقت کشتن آنها هنوز فرا نرسیده پس در کشتار آنها تعجیلی نیست از طرفی شیعیان هم اهل تسنن را ملعون میدانند پس آنها هم منتظرند تا سر فرصت به کشتار تسنن پرداخته و به وعده خدای ساخته و پرداخته محمد عمل کنند.

در این میان یکیشون در انتظاره که مهدی بیاد و دیگری درانتظاره که محمد بیاد و دو تای دیگه هم منتظرند مسیح و موسی هم بیایند.(عجب خر تو خری شد). و اما وقتیکه همه این حضرات تشریف بیاورند تازه خر

بیار و باقالی بار کن!!! چون همه آنها مدعی این هستند که خدا گفته دیگران را بکشید.

و اما در مدل انتحاری که بیشتر خاص شیعیان است یک ابله‌ی با فلسفه نمیربودن مسلمان به فرمان یک آفت الهی (آیت الله خودمون) خودش و گروهی از مردم بی دفاع را به سوی مرگ هدایت می کند مانند (حادثه ۱۱ سپتامبر و متروی لندن). ببینیم قرآن چه میگوید و جواز جنایتکاران اسلامی چگونه صادر شده :

سوره ۳ آیه ۱۶۳ :

و هرگز نپندارید آنانکه در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه زنده اند و نزد خدا روزی دارند.

سوره ۴ آیه ۷۶ :

پس کارزار کنید با آنانکه زندگی دنیا را به آخرت خریدند و کارزار کنندگان را مزد بزرگی است چه کشته شوند و چه نمانند آیند برای آنها مزد بزرگی است.....

در مرام مسلمانی هیچ جایی برای اسیران جنگی نیست خدای محمد به آنها گفته کسانی که با شما می جنگند فقط آنها را بکشید این هشدار باید برای تمام کسانی که مدافع حقوق بشر هستند قابل توجه باشد و در جنگ با مسلمانان تصور نکنند که آنها بشر هستند و باید حقوقی داشته باشند. مسلمان از طرف خدا دستور دارد که فقط بکشد اگر در جنگ با مسلمانان آنها را نکشید آنها شما را خواهند کشت!!!! به نام آنکه

انسان را از خون بسته آفرید و بعد فرمان قتل او را به محمد و طرفدارانش داد.

سوره ۲ آیه ۱۸۷ :

و بکشید آنانرا که با شما کارزار میکنند

یه روزی دو تا پسر عمو سر لحاف ملا دعواشون شده و یه عمر ملت دنیا باید عذابشو بکشند و کسی نیست که بگوید به ماچه مربوط که ابوسفیان پسرعموی محمد او را از مکه بیرون میکند و بعدها که محمد بقدرت میرسد دستور قتل خاندانش را برای انحصاری کردن درآمد مکه صادر میکند . از همه بد تر اینکه ۱۴۰۰ سال قبل محمد برای بیرون کردن پسر عمویش آیه ای نازل میکند و فلسطینی ها به استناد این فرمان راه افتاده اند که یهودی ها را از اسرائیل بیرون کنند! یکی نیست که به اینها بگه اولاً به استناد تاریخ قوم بنی اسرائیل مالک آن سرزمین هستند و ثانیاً مردم اسرائیل در بخشهایی از اون سرزمین زندگی میکنند که فلسطینی های نادان قبلاً آنها فروخته اند. از قدیم گفته اند کسی که خربزه می خورد پای لرزش هم می نشیند :

سوره ۲ آیه ۱۸۸ :

و بکشید آنها را هر جا بیابیدشان و بیرون کنید آنها را از آنجا که شما را بیرون کردند .

و خدای محمد گفته بکشید و بیرون کنید کسانی را که شما را بیرون کردند، پس بنابر این باید بجنگید و بکشید و یا کشته شوید و بروید بهشت که حوری ها منتظر هستند . ملت بیگانه پرست ایران هم (اونهایی که

ایرانی بودن و اصالت خو را فروخته و سنگ محمد و حزب الله را به سینه می‌زنند و در قرن بیست و یکم شیوه زندگی قرن اول هجری را انتخاب کرده اند بدانند که در بهشت ساختگی سلمان پارسی و محمد جایی برای آنها وجود ندارد.

سوره ۹ آیه ۲۹:

و بجنگید با آنانکه به روز واپسین و خدا ایمان نمی‌آورند و حرام نمی‌کنند آنچه را که خدا و رسولش حرام کرده اند و قبول نمی‌کنند دین حق (اسلام) را .

در این آیه استراتژی مسلمین در شناخت دشمنان اسلام کاملاً مشخص میشود و بنا بگفته این آیه کشورهای اسلامی با کشورهای زیر باید بجنگند:

- ۱) روسیه- چین و کلیه کشورهایی که به وجود خدا ایمان ندارند .
 - ۲) تمامی کشورهای اروپایی و آمریکایی و بعضی کشورهای آسیایی که شرب شراب " کنیاک و عرق را حرام نکرده اند و خلاف فرمان خدا عمل میکنند.
 - ۳) تمام کشورهایی که دین اسلام را قبول نمیکنند.
- کشورهای اسلامی در حال حاضر آنقدر قوی نیستند که بتوانند به دنیا به خاطر عدم اطاعت از فرمان خدای محمد هشدار دهند ولی به محض اینکه ملاحی حاکم بر ایران به سلاح اتمی دسترسی پیدا کند آنوقت خواهید دید که امنیت و آرامش در منطقه بکلی از بین خواهد رفت .

سوره ۴۸ آیه ۲۵ :

ايشان كسانى هستند كه كافر شدند و شما را از مسجد الحرام
بازداشتند.

در این آیه رسماً به مسلمین میگوید با یهودیان بجنگید چون آنها از بر
پا داشتن نماز مسلمین به سمت مسجدالحرام جلوگیری کردند و باعث
شدند آبروی محمد در آن زمان برود و او را وادار کردند تا خانه خدا را
عوض کند البته این تعویض زمانی رخ داد که محمد مطمئن شده بود
مکه را تسخیر خواهد کرد.

سوره ۴ آیه ۸۶ :

پس كارزار كنيد در راه خدا و ترغيب كنيد مومنان را تا با شما
همراه شوند.

در این آیه نقش حکومت اسلامی ایران را در تحریک سایر کشورها علیه
ممالک غیر اسلامی بیشتر درک خواهید کرد روش فعلی رژیم آخوندها
به این ترتیب است که اول فردی در دستگاه رهبری یکسری چرندیات
در باره کشور مورد نظر سر هم میکند اگر کشور مخاطب واکنشی
نشان ندهد در این صورت حملات آنها شدت می گیرد ولی اگر مخاطب
عکس العملی از خود نشان دهد در این صورت آخوند خندان جمهوری
اسلامی (مستر خاتمی) میاد وسط و میگه این نوع اظهار نظرها غیر
رسمی است و مورد تایید دولت نیست !!!! در حالی که به هدف اصلی
خود یعنی تحریک مسلمانان افراطی و نوجوان نا آگاه به منظور جنایت و
بمب گذاری در اجتماعات عمومی نایل آمده است .

سوره ۹ آیه ۵ :

..... و بکشید مشرکان را هر جا بیابیدشان

سوره مائده آیات ۳۳ و ۳۴ :

همانا مجازات کسانی که با خدا و رسولش کارزار می کنند آن است که کشته شوند و یا دستها و پاهای ایشان به صورت مخالفه بریده شود.

سوره محمد آیه ۴ :

پس چون ملاقات کنید آنان را که کافر شدند **گردن آنها را بزنید** و از آنها بسیار بکشید...

در این آیات نفرت اسلام از غیر مسلمان به اوج خودش می رسد در این آیات فقط صحبت از کشتار است آنهم کشتاری بیرحمانه و حیوان صفت گونه. محمد مدعی است که خدا به او گفته هر کجا مشرکی یافتید او را بکشید به عبارت دیگر علت کشتن غیرمسلمان کارزار با مسلمان نیست. یک مسلمان مجاز است انسانهای دیگر را به علت عدم پذیرش اسلام بکشد ولی اگر با او کارزار کنی و دستگیر شوی در این صورت مسلمان طبق فرمان خدا مجاز است دست و پای اسیر را ببرد. متأسفانه پل جانسون مشمول این آیه نشد تا بدون یک دست و پا زنده بماند شاید هم چون با مسلمانان کارزار نکرده بود دست و پای او را قطع نکردند اما از آنجایی که جرم او آموزش علم و انتقال تکنولوژی به اعراب بوده است بنا بر این در حکم کافران قرار گرفت و مطابق سوره محمد آیه چهارم

مشمول بریدن سر و یا قطع سر از بدن شد. حضرت آدم هم که از درخت علم بهره برد مشمول اخراج از بهشت شد.

آقای کوفی عنان و آقایان طرفدار حقوق بشر: شماها که با مقررات اسلام ناب آشنائی ندارید تا بتوانید در مورد کم و کیف جنایات بنیادگرایان اسلامی حسی داشته باشید ولی اگر مدافع واقعی حقوق بشر هستید اقلای متخصصین سازمان ملل را تشویق کنید تا قوانین مجازات های اسلامی را که از قرآن استخراج شده بخوانند شاید بتوانند در جلوگیری از اجرای این قوانین وحشیانه تاثیر گذار باشند به امید اینکه با حذف خرافات مذهبی هیچوقت شاهد مرگ مظلومانه و ددمنشانه ای افرادی چون پل جانسون و هزاران قربانی دیگر و ترور های اسلامی در جهان نباشیم.

*نئو دیکتاتوری نعلنگ پایان دیروز بنز سواران امروز!

خمینی ، هیتلر، فرانکو و موسیلینی و امثالهم همه به اصطلاح با رای مردم بر سر کار آمدند و سرنوشت این جنایتکاران گویای آنست که اتکا به رای مردم فریب خورده کافی نیست . به عبارتی برای رسیدن به دموکراسی به ارای کیفی ملت نیاز است، بنابراین عبور از مرحله کمیت دلیل دموکراسی نخواهد بود . چارچوب دموکراسی فراتر از آنست که خانم شجاعی معاون خاتمی در پاسخ به سوال خبرنگاران بگوید زنان ایران خودشان حجاب را انتخاب کرده اند و طبق قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ، با کسانی که بد حجاب باشند برخورد خواهد شد !! ای خانم محترم که مدعی دفاع از حقوق و رای زنان در ایران به بند کشیده شده هستید ، حجاب را زنان ایران خودشان انتخاب نکرده اند تا انرا مراعات کنند، شما و چماقداران رژیم جمهوری اسلامی به آنها گفتید یا روسری یا تو سری!!!!

۱۴۲۵ سال پیش کنیزکان (روسپیان دربار محمد بنا بگفته قرآن) برای حفظ جان خود و عده ای برای فرصت طلبی به اسلام روی آورده و قرآن خوان شدند تا زیر سایه چتر نجات محمد بنوایی برسند ، بسان خواهران زینب و بسی جی امروزی که در بارگاه خامنه ای و سایر آخوندها پرسه می زنند و منتظرند که با پرکردن اوراق زندگی نامه ننگین خود با صیغه نامه های آخوندی زیر لوای اسلام کلید طلائی بهشت را بدست آورند.

کنیزکان که شبها به قصد قضای حاجت بیرون میرفتند ، افراد محمد انها را اذیت و بانها تجاوز می کردند، پس نزد محمد شکایت بردند و محمد طبق معمول و بدون مراجعه به خدای ساختگی خود در همان دم آیه ای نازل کرد که "خود را بپوشانید تا از زنان ازاده باز شناخته نشوید" . اینک کنیزکان دربار جمهوری اسلامی می گوید این انتخاب یک انتخاب ازاد و مبتنی بر قانون است !!!! کدام قانون ؟ !! قانونی که جناب آقای رسما جانی (رفسنجانی) تحت عنوان دیات ذیل آنرا توشیح نموده اند ؟!!!!

در این قانون خون بهای زنان کمتر از ارزش بیضه چپ مرد هاست!!!! اگر می خواهید مدافع حقوق آزادی زنان ایران باشید، اول بروید نرخ خودتان را درست کنید تا آخوندها فکر نکنند که کمتر از بیضه چپشان ارزش دارید!! آیا میدانید که در قوانین ضد بشری جمهوری اسلامی شما، کشتن انسانها انهم با پرتاب سنگ و شکنجه با مرگ تدریجی مجاز است؟ از کدام قانون سخن می گوئید؟ قانونی که فقط وسیله جنایت و چپاول اموال یک ملت است؟! قانونی که تک تک افراد جامعه را حتی در زندگی روزمره از صدها فیلتر میگذرانند؟! قانونی که اندیشمندان ایرانی را بخدمت بیگانه گان واداشته تا افراد بی لیاقت در مصدر امور مملکت داری قرار گیرند! رژیم میخواهد بگوید ملاها هم مثل سایر جوامع پیشرفته برای زنان ارزش قائلند! ولی مطمئن باشید که شماها فقط نقش کنیزکان را بازی می کنید و بس!

آخوندها دریافتند که اگر شل بگیرند آب زیر و روی اسلام می‌رود پس با هر کسی که کمترین افشاگری علیه اعتقادات آنها بکند به سختی مبارزه می‌کنند. طبق همان قانونی که می‌گوئید مردم به آن رای داده اند، توطئه قتل صدها وطن پرست ایرانی ریخته شد که بدست جلادان رژیم سلاخی شدند. عوامل خود فروخته و وابسته به ارباب اعظم کار خود را بخوبی انجام دادند و به ملاها فهماندند که اعمال زور بدون آلوده کردن دست عده ای از مردم به خون و جنایت و همراه کردن آنها با رژیم کار آسانی نمی باشد، بنا براین فیلتری نصب میکنند که ازش فقط آخوند های جنایتکار با عمامه و بدون عمامه دربیاد! به این می‌گن دموکراسی اسلامی یا دیکتاتوری نعلنگ بی‌پایان. خیلی ها برای هیتلر جان باختند عاشق او بودند ولی امروز تاریخ چگونه قضاوت می کند؟ حتی این نئونازیست های جوجه هم نتوانستند نگرش نازی ها را احیا کنند.

برای اینکه از کارا بودن قوانین ضد بشری خود مطمئن شوند یک مشت پیر و پاتال دوران دایناسورها را به عنوان شورای نگهبان انتصاب میکنند تا مانع از صدور قوانینی شوند که به صلاح دیکتاتوری نیست و از طرفی با صرف هزینه های گزاف تبلیغاتی و با پرداخت رشوه های کلان دنیا را در این باور قرار میدهند که در ایران نوعی دموکراسی وجود دارد. !!

نئودیکتاتوری نعلنگ بی‌پایان معجونی لندنی از مجموعه اعتقادات محمد و جک استراو و خامنه ایست. محمد راه جنگ را بر گزید و خامنه ای

راه تزویر را انتخاب کرد. او مسئول مستقیم زور با ابزاری همچون سردار خالیباف و صفوی است و مالک زر (وزارت نفت و بازرگانی) است لذا هیچگاه اجازه نخواهد داد رئیس جمهوری بیاید و دموکراسی اسلامی را تغییر دهد! چرا که نوعی دموکراسی در ایران وجود دارد! و آن چیزی نیست بجز دموکراسی آخوندی!

قابل توجه کلیه رهبران ریاکار اروپا ، اگر به نظامی که تمام مشاغل کلیدی ، قانون گذاری و اجرایی آن توسط دزدان و جنایتکاران حرفه ای پر شده می گوئید نوعی دموکراسی ، بهتر است دنیا برود به دنبال اندیشه ای دیگر تا ننگی که شما بنام دموکراسی به ملت ایران تحمیل کرده اید پاک گردد.

*ریشه های دشمنی اسلام با یهود (۱)

مسلمین هم ردیف کفار یهودیان را یکی از اصلی ترین دشمنان خود می دانند چرا و چگونه این همه کینه از یهود در دل مسلمانان شکل گرفته را باید در قران و تاریخ جستجو کرد میدانید که در زمان محمد بهترین زمینهای کشاورزی به یهود تعلق داشت و محمد همیشه به اموال و قبله آنان چشم داشت بنابراین به محض اینکه به قدرت رسید قبله خود را به سوی مکه تغییر داد و در جنگ خیبر به باغات فدک آنها حمله ور شد . اما بلا فاصله پس از تسخیر باغات یهود دستورات قرانی مبنی بر اینکه اموال به جای مانده اعم از زن و مال غنیمت جنگی هستند و به سربازان اسلام تعلق دارند را نقض کرده و باغات فدک را به دخترش فاطمه می دهد ولی بعد ها این موضوع مورد اعتراض مسلمین قرار گرفت و ابوبکر آنرا به بیت المال باز گرداند تا بی ن مسلمی ن محبوبیت کسب کند و راه خود را برای رسیدن به خلیفه گری آسانتر سازد و از طرفی انگیزه بیشتری برای سربازان اسلام به منظور حمله و غارت ایران ایجاد کند .

آیات دشمنی خدای محمد با خدای یهود را بازنگری کنیم :

ماجرای تغییر قبله سوره بقره آیات ۱۴۲ تا ۱۴۹ :

بزدی سفیهان (یهود) از مردم خواهند پرسید چرا
مسلمانان از قبله ای که رو به آن نماز می خواندند برگشتند؟ بگو
مشرق و مغرب از آن خداست !

از قرار معلوم یهودیان در آن زمان تصمیم داشته اند اثبات کنند قبله ای را که محمد اختیار کرده چیزی نیست که خدا تعیین کرده باشد و با استناد به دلایل زی-ر تلاش می-کرده‌اند که مردم را از حيله محمد آگه سازند.

۱- سالها محمد مسلمين را برای نماز به سوی مسجد الاقصی دعوت کرده بود و بعد ها خدای محمد متوجه میشود که پیامبرش به خاطر نداشتن قبله سرزنش میشود!

۲- خدا صحبت از قبله ای در مشرق و مغرب میکند کما اینکه مسیحیان به سمت مشرق بیت المقدس می ایستند و یهودیان سمت صخره مسجد را گزیده اند و پس از فتح مکه محمد چون جهات را نمی شناخت تصمیم گرفت تا گرداگرد کعبه نماز بخواند.

۳- خدای قدرت طلبان دینی از قدیم الایام بیت المقدس را قبله انبیا ی خود قرار داده بود چطور آنها به ویژه یهود و مسیح به خاطر نداشتن قبله ای مستقل فخر فروشی یکدیگر را تحمل کردند ولی محمد نتوانست فخر فروشی یهود را تحمل کند ؟

... و ما آن قبله را که رو به آن می ایستادی قبله نکردیم مگر برای اینکه معلوم کنیم چه کسی رسول را پیروی می کند و چه کسی به عقبه بر میگردد ما تو را دیدیم که رو در آسمان می چرخانی پس بزودی تو را به سوی قبله ای بر میگردانیم که دوسته داری !!!!....

ظاهرا اوضاع وخیم تراز آن است که فکر می کردید برای اینکه اینجا خداست که باید در برابر خواست محمد پاسخگو باشد! از متن آیه چنین بر میاید که محمد از خدا پرسیده:

" که چرا به من قبله مجزا ندادی تا سرکوفت یهود را تحمل نکنم! "

و در جواب خدا میگوید: **" میخواستم پیروانته را امتحان کنم "**
" همان امتحانی که از آدم کرد! "

از طرف دیگر ظاهرا حواس محمد هنگام نماز در یک جهت نبوده و او دائما سرش را می چرخانیده که خدا هم متوجه میشه محمد هواسش به نماز نیست بلکه در آسمان دنبال قبله میگرده!! پس به او قبله ای میدهد که دوست داشته باشد و تا بتواند درآمد انرا به جیب بزند به عبارتی خدا هم مشگل محمد و پسر عموی او را میدانسته و در قضاوت و عدل الهی خود تصمیم میگیره تا خانه خدای ابوسفیان و ابو جهل را غصب و آنرا به محمد بده اما از انجایی که مشگل بی خانه مانی خدای محمد زمانی پیش میاید که هنوز محمد مکه را فتح نکرده پس مسلمین مجبور می شوند تا قبل از فتح مکه به سوی بتکده ابوسفیان نماز بخوانند!! و این همان موضوعی است که مسلمین زمان محمد را رنج میداد و محمد هم نمی توانست دلیل قانع کننده ای به آنها بدهد پس در ادامه آیه میگوید:

همین امروز روی خود به طرف سمتی از مسجدالحرام کن و هر جا بودید رو بدان سو کنید. کسانی که اهل کتابند میدانند این برگشت حق است

و حکمی از ناحیه خداست و اگر برای اهل کتاب تمامی معجزات را
بیاوری باز هم قبله تو را پیروی نمیکنند و تو هم قبله آنان را پیروی
نکن

در این آیات قرار میشود تا محمد قبله ای مجزاداشته باشه و اهل کتاب
هم میدانند که این حکم خداست! ولی از آن پیروی نمیکنند! پس چرا
جنایتکاران جمهوری اسلامی دستورات خدای محمد را ندیده
میگیرند و اموال ملت ستم دیده ایران را برای مسلمان کردن
چند مسیحی در جهان خرج میکنند در حالی که خدا محمد گفته
آنها پیروی نخواهند کرد و تو هم از اونها پیروی نکن!
همان قضیه لکم دینکم ولی الدین که محمد قبل از به قدرت رسیدن به
پسر عموش میگوید!

* ریشه های دشمنی اسلام با یهود (۲)

خدای محمد با خدای یهود به شدت در ستیز بوده است و در قرآن همواره از یهود به عنوان دشمن اسلام یاد شده بنابراین موضوع عداوت این دو دین چیزی نیست که نصاری بتواند در آن میانجی گری کرده و تعادلی برقرار کند به عبارتی تا زمانیکه تازی نامه (قرآن) پا برجاست بین اسرائیل و مسلمانان تندرو صلحی برقرار نخواهد شد.

سوره مائده از آیه ۸۵ :

هر آینه می یابی یهود و مشرکین را دشمن ترین مردم نسبت به کسانی که ایمان آوردند و هر آینه می یابی آنان را که گفتند ما نصارائیم (مسیحیت) دوست مومنین....

ولی محمد کاری به این نداشت که مسیحیت بگوید ما با مسلمین دوست هستیم یا نیستیم محمد با تمام ادیان سر جنگ داشت:

سوره مائده آیه ۷۶ :

هر آینه کافر شدند آنان که گفتند همانا خداست او مسیح پسر مریم و گفت مسیح ای بنی اسرائیل پرستید خدا را که پروردگار من و شماست.....

در این آیات از همه بد شانس تر مومنین به رسالت مسیح هستند این ملت از یک طرف بعلت ادعای مسیح که می گفت پسر خدا هستم مغضوب یهودیان قرار گرفته و پیامبرشان بدست موبدان یهود به صلیب کشیده شدو از طرف دیگر به دلیل اینکه آنها به نام پدر پسر و روح القدس قسم می خورند مسلمین آنان را اهل تثلیث دانسته و کافر می

دانند و مطابق آیات قران منجمله آیه ۴ سوره محمد مشمول بریدن سر از بدن هستند.

سوره مائده آیه ۵۶ :

ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری (ترسایان) را دوستان خود نگیرید که آنان دوست بگذرند و کسی که با آنان دوستی کند خود نیز از دشمنان است ..

در این آیان خدای محمد با یهودیان و مسیحیت رسماً اعلام جنگ می کند و حتی کسانی که با آنان دوستی کنند نیز مشرک خواهند بود در واقع لازم نیست یک مسلمان دینش را عوض کند تا کشته شود کافیست با یک مسیحی دوست شود!

از انجایی که مسلمانان پناه دادن جعفر طیار توسط نجاشی را از انسانیت او نمیدانند بنابر این بر آنها نام ترسیان (نصاری) گذاشته اند به عبارتی قاصدان محمد به او گفته اند پادشاه از ترس به ما امان داد و تو هم به او امان بده!

سوره مجادله آیه ۲۲ :

ای پیامبر هرگز نخواهی یافت کسانی را که هم به خدا و روز جزا ایمان داشته باشند و هم با دشمنان خدا دوستی کنند هر چند که دشمنان خدا پدران و فرزندان و خویشان او باشند .

و نیز درباره دوستی با کفار با لفظی عام که شامل یهود و نصارا و منافقین و مشرکین می شود گفته شده "

سوره آل عمران آیه ۲۸ :

مومنین نباید خیر مومن به اسلام را به دوستی بگیرند مگر از روی ترس و خدا شما را از خودش بر حذر میکند تا از خیر مومن نترسید و از خدا بترسید.

رهبر مسلمین جهان یهودیان و نصاری را با همه دشمنی که با هم دارند در یک هدف مشترک میداند و آنهم دشمنی با اسلام است و به خاطر این هدف مشترک یهود و نصاری از هر ملیتی که باشند دشمن اسلام تلقی می شوند بنابراین کسانی که با طرفداران این ادیان نشست و برخاست میکنند نیز دوست دشمن شمرده شده و می بایست کشته شوند. به این ترتیب در اسلام به مسلمین توصیه میشود رابطه اجتماعی خود را با سایر ادیان به ویژه یهود و نصاری قطع کنند تا در جهاد علیه آنان بتوانند به راحتی خونشان را بریزند. (مراجعه کنید به قانون اساسی جمهوری اسلامی).

جناب آقای آیت الله جک مستراح باز هم بیا ئید و به رهبر تروریستهای اسلام به خاطر پرتاب موشک شهاب سه تبریک بگو ئید، گر چه دولت فخریه انگلیس تلاش می کند تا مسلمین وحشی را برای قتل عام یهودیان و مسیحیت به قدرت برساند و امروز این قبیله جنایتکار مذهبی تمام ابزار لازم از جمله **ثروت** به علت گران شدن نفت **قدرت** به علت سازمان بندی شبکه تروریستی حزب الله در سر تا سر جهان و همکاری نزدیک با القائده **شقاوت** به علت دستورات قرآنی را دارد. پس اگر در قرآن مراد از واژه **فتح** نزدیک است فقط مربوط به فتوحات

مسلمین مثل فتح قلعه یهودیان و یا فتح بلاد نصاری باشد حرفی نیست
باز هم بروید و با رهبر مسلمین تروریست پرور حزب الله داد و ستد
کنید بدون توجه به اینکه جمله "فیصبحوا علی ما اسروا ... " رسماً
میگوید مراد از فتح آمدن روزگاری است که اسلام بساط غیر مسلمان را
از جهان برچیند تا خدا و رسولش در آن داوری کنند.

* ریشه های دشمنی اسلام با یهود (۳)

قبلا به این موضوع اشاره کردیم که یهود میگوید عزیر پسر خداست و مسیحیت هم معتقد است که مسیح پسر خداست. عزیر کسی است که دین یهود را تجدید نمود و تورات را بعد از واقعه بخت النصر پادشاه بابل و تسخیر بلاد یهود که از بین رفته بود احیا کرد. پادشاه بابل مردان یهود را از دم تیغ گذراند و زنان و کودکان را با خود به بابل برد و نزدیک به یک قرن در آنجا برده بودند تا اینکه کورش کبیر پادشاه ایران نگارنده اولین منشور آزادی در جهان بابل را فتح کرد و یهودیان را از اسارت و بردگی نجات داد. عزیر که نزد کورش حرمتی داشت از پادشاه ایران اجازه گرفت تا قوم یهود را در سرزمین مادر زادی خود یعنی اسرائیل فعلی که بعد ها توسط اعراب اشغال شد سکنی دهد او نه تنها توانست یهودیان را از آوارگی نجات دهد بلکه با پشتکار فراوان تورات را در سنه ۴۵۷ قبل از میلاد باز نویسی کرد. برای همین است که ایرانیان اصیل به پاس حرمت کورش بزرگ که اسرائیل را به یهودیان برگرداند و حکم آزادی آنان را صادر نمود، از تشکیل سرزمینی به نام فلسطین پشتیبانی نکرده و نخواهند کرد مگر حرامزاده های بجا مانده از نسل اعراب در ایران که امروزه با کمک اربابان استعمار در مصدر قدرت نشسته اند و به غارت و چپاول ثروت ملی ایرانیان مشغولند و پر واضح است که حمایت از تروریستهای فلسطینی و القائده برای دوام رژیم جنایت امریست اجتناب ناپذیر. بنابراین کسانی که امروز به جنگ اعراب علیه اسرائیل دامن می‌زنند در واقع دنباله روی بخت النصر

هستند و این بخت النصریان ایران را اشغال کرده اند تا در خدمت اعراب گنجینه های ملی کشور را همچون بخت النصر نابود کنند کما اینکه در اوایل حاکمیت آخوندیسم ، خلخالی جلاد با کلنگ به مقبره رضا شاه یورش برد تا آنرا از بین ببرد و بعدها مصمم شده بود تا پرسپولیس را نیز نابود کند.

اما بار دیگر سرزمین یهود در سال ۱۶۱ قبل از میلاد مسیح مورد هجوم پادشاه سوریه قرار گرفت و سربازان سوری خانه به خانه به دنبال تورات میگشتند و دارندگان آنرا در دم سر می زدند تا تورات و هر آنچه که از یهود بجای مانده را معدوم کنند. و علت اینکه هنوز هم سوریه برای فلسطینی ها اسلحه و مهمات میفرستد ریشه در تاریخ آنان دارد.

سوره مائده آیه ۱۸ :

یهود و نصاری گفته اند ما فرزندان خدا و دوستان او هستیم
و خدا به محمد یاد می دهد در جواب به آنها بگو: **قل فلم یعذبکم بذونوبکم ..** پس چرا خدا شما را عذاب میکند !! در واقع معنی این ادعا این است که کشتن فلسطینی ها به دست یهود عذاب نیست چون آنها را خدای محمد از عذاب در امان نگه داشته و فقط یهودیان هستند که از شر مسلمین و خدای آنان رهایی ندارند.

البته پیروان محمد مثل خود او آنقدر مغلظه کار هستند که بگویند **"البلا للولا"** یعنی خدا هر که را بیشتر دوست دارد او را بیشتر عذاب می دهد مثلا چون خدا ابراهیم را دوست داشته او را بیشتر عذاب داده از این نوع تناقضات در قران بسیار است اما اگر بپذیریم که عذاب دادن مربوط به

یهود نیست و فقط مخصوص بندگان محمد است تا بی جهت به بهشت نروند باز هم تکلیف روشن است به این ترتیب که اگر فلسطینی ها مشمول رحمت خدایشان هستند پس باید عذاب بکشند و کشته شوند تا در بهشت به وصال برسند !!!

سوره جمعه از آیه ۶ :

بگو ای یهودیان اگر واقعا دوستار خدا و محمد هستید پس تمنای مرگ کزید اگر راست می گویید (که علامت دوستان خدا آرزوی مرگ و شوق لقای به اوست)....

محمد تازی مرگ را برای یهود دلیل دوست داشتن خدا می داند!

ظاهرا او هم مدعیست مرگ خوبست ولی برای همسایه !!!

برای اینست که سید اولاد عرب جناب خامنه ای بجای مردن حکومت کردن بر مردم مسخ شده ایران را ترجیح میدهد و دائما مسلمین را برای کشتن یهودیان در اسرائیل تحریک میکند ویا برای دامنه دار تر کردن کشتار در اسرائیل به تروریستهای فلسطینی کمک مالی میکند.

سوره گاو از آیه ۱۰۵ :

و گفتند هرگز داخل نمیشود بهشت را مگر آنکه باشد از یهود و نصاری نیست آرزوهایشان بگو بیاورید دلیل اگر هستید از راستگویان ...

در اینجاخدای محمد از خدای یهود و مسیح میخواهد که اگر آنها فقط به بهشت خواهند رفت دلیل بیاورند در حالیکه محمد هم که مدعیست فقط مسلمین به بهشت خواهند رفت و به جز وعده های قرآنی چیز

دیگری از خود نشان نداده و از طرفی تمام این وعده ها در تورات و انجیل هم هست .

بیدارباشید مشتی حرامزاده وطن فروش به نام خدا و دین مردم فریب خورده را به سوی مرگ هدایت کرده اند تا به راحتی به چپاول ثروت ملی بپردازند و بحکومت ننگین خود ادامه دهند تا از بهشت واقعی موجود در این دنیا در سمتهای رهبری و پاپ اعظم و غیره بهره گیرند چرا که بهشت و حوریان پس از مرگ را فقط به شما وعده می دهند که خود به آن اعتقادی ندارند. شرم بر تو ایرانی که هزاران سال فرهنگ و تاریخ و یکتا پرستی نیاکان خود را زیر پا گذاشته ای و بدنبال خرافات دین فروشان به بت پرستی خانه کعبه روی آورده ای و در جهل و نادانی منتظر دریافت کلید بهشتی . شرم بر تو باد !

*ریشه های دشمنی اسلام با یهود (۴)

با وجودیکه اسلام دشمنی ذاتی با یهود دارد باز هم تو مسلمان ایرانی که اسلام را هم خوب نمی شناسی سعی خواهی کرد تا به سبک محمد به سفسطه پرداخته و بگویی اسلام با یهود دشمن نیست بلکه فقط با یهودیان ساکن اسرائیل و کسانی که می گویند عزیر پسر خداست دشمنی دارد ! پس باز هم بخوان :

سوره گاو از آیه ۹۰ :

به آنها بگو اگر خانه آخرت نزد خدا متعلق به شماست پس تمنای مرگ کنید اگر راستگویانید (تا زود تر به بهشت بروید) ولی هرگز این کار را نخواهند کرد چون آنها بسیار مریص و دنیا پرستند و اصلا ایمانی به قیامت ندارند

از این قبیل آیات دو نتیجه استحصال میشود اول اینکه محمد با صراحتی کاملا ناشیانه و بر مصداق این ضرب المثل "دیگ به دیگ میگه روت سیاه است" بدنبال حکومت و مال دنیا می رود ثنیا در این بازنگری مشخص میشود که بخشی از قران بر پایه جدال های لفظی بین محمد و یهودیان نگاشته شده است .

آنچه که امروز هم مشاهده میشود چیزی به جز تابعیت از آیه فوق نیست کما اینکه سران نظام اسلامی ایران اعم از خال منی (خامنه ای) و رسما جانی (رفسنجانی) و خر از خود رازی (خرازی) و آس فیل (آصفی) و خارسمی (خاتمی) و سرداران سپاه اسلام مثل سردار خالیباف و صفوی همگی از مال و منال دنیا بهره مند شده و در ایران و گوشه

کنار دنیا به تکاثر ثروت و مال اندوزی مشغول بوده تا به قول خالی بند
ترین رسول عالم به "زرتهم المقابر" برسند اینها افرادی حریص و دنیا
پرستند و اصلا ایمانی به آنچه می گویند ندارند .

سوره جمعه آیه ۶ :

بگو ای کسانی که یهودی هستید اگر فکر می کنید فقط شما
اولیای خدا هستید پس تمنای مرگ کنید..

و من به شما مسلمانان میگویم اگر پیامبر خود را قبول دارید و ایده
لوژی او را تابعیت میکنید پس چون فقط شما اولیای خدا هستید و می
خواهید هر چه زود تر به بهشت روید پس تمنای مرگ کنید و گورتان را
از ایران گم کنید که کشور بدون دفاع ایران از ریا کاری شما مسلمانان
تازه به دوران رسیده بوی تعفن گرفته مگر شما مدعی نیستید که "و ما
هذا الحیوه الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الاخره لهی الحیوه .." زندگی دنیا
جز لهب و لعب نیست و تنها زندگی آخرت است که حیات محض
است "اگرچنین است بر مصدر حکومت چه میکنید؟ چرا از ترس جان
سوار بر بنز میشوید و جوانان را همچون دلکها به لباس تکاور ملبس
میکنید و آنها را در خیابانها به جان مردم می اندازید؟ واقعا " وای بر دروغ
گویان "

اگر محمد به دین یهود یا مسیح ایمان نیاورد و خود آورنده دینی جدید
شد فقط یک علت داشت آنها قدرت طلبی و سرپرستی اعراب بنی
کلاب " میگی نه ! به قران بر میگردیم :

سوره بقره آیه ۱۲۰ :

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند مگر از کیش آنان پیروی کنی در این صورت دیگر از ناحیه خدا سرپرستی و یابوری نخواهی داشت ..

باید بی انصاف نبود اگر خدای شما منرا هم بدین شکل تهدید میکرد یقینا دین تازه ای می آوردم تا پیرو دین اسلام نباشم! واقعا معلوم نیست چرا خدای محمد تا این اندازه از دستورات خدای موسی متنفر بوده که میگوید اگر یهودی شوی از سرپرست شدن خبری نیست! دقت کن نگفته از پیامبری! اساسا فلسفه اینکه یا باید از یک مجتهد پیروی کنی و یا باید خود مجتهد باشی نیز از همین نوع افکار سر چشمه گرفته به عبارتی چون آخوند دوست نداره که پیرو باشه از شش سالگی میره حوزه تا سریعتر به مال مفتی و بدون تلاش در دنیا دسترسی پیدا بکنه .

سوره آل عمران آیه ۶۸ :

اگر به دست بعضی از اهل کتاب پول بسیاری به امانت دهی آنها را به تو پس خواهند داد ولی بعضی دیگر از اهل کتاب بر نمی گردانند

مسلمین می گویند کسانی که امانت را پس نمی دهند یهودیانند آنها شتر را با بارش می بلعند و در مقابل یهودیان می گویند مسلمین بودند که مزارع ما را غارت کردند و در هر جا که به حکومت برسند مثل ملخ های وحشی تر و خشک را می خورند حالا باید دید تاریخ در مورد رفتار

این دو قبیله چه قضاوتی کرده و یا خواهد کرد من گمان میکنم فقط
دیگ به دیگ میگه روت سیاه است .شما چطور؟.

آنچه که مبرهن میباشد اینستکه آخوند ارزش قدرت و ثروت را از
خاندان پهلوی بیشتر میداند پس ایران و ایرانی را با هر قیمتی با
اربابانش معامله خواهد کرد تا هر چه بیشتر بر مصدر قدرت باقی بماند
اگر آیت الله جک مستراح نخواهد اینها به دنبال سلاح اتمی نخواهند
رفت تنها خطری که این فرصت طلبان تاریخ را تهدید میکند آلوده
شدن آنها به مال دنیاست تا فرزندانی از آنها به جای بماند تا همچون
ابو غبشان ایران را با خمی از شراب معامله کنند .

*ایران سرزمینی در اشغال امام زاده ها.

امروز سالگرد انفجار بمب هیرو شیماست واقعه ای که همیشه به عنوان یکی از تلخ ترین روزهای تاریخ بشریت از آن یاد میشود ولی از اینکه امپراتور ژاپن در این پدیده چقدر نقش داشته صحبتی در میان نیست این درست است که کشته شده ۱۲۰ سی هزار نفر انسان چیز خوبی نیست ولی پژوهشی عمیق تر در علت وقوع حوادث اندوه بار ثبت شده در تاریخ میتواند نگاه خواننده را در جایگاه قضاوت برای تشخیص مسبب اصلی تغییر دهد متاسفانه در هر جا که امریکا به کمک بشریت شتافته و با پیدایش اینگونه وقایع از وخیم تر شدن اوضاع و کشتار بیشتر انسانها جلوگیری کرده تاریخ نویسان فقط به درج حادثه و بزرگنمایی آن بدون ذکر علت وقوع پرداخته اند اگر به تاریخ خونبار ایران بنگرید خواهید دید که مصیبت هایی که بر سر این ملت آمده به مراتب تلخ تر از بمب هیروشیما و ناکازاکی است حالا ببینیم چرا این ادعا میتواند درست باشد:

(۱) **دوران شکوه:** از تاسیس حکومت مادها که به همت دیاگو در سنه ۷۰۸ قبل از میلاد صورت پذیرفت دوران شکوه و عظمت ایرانیان آغاز گردید این حکومت بدست کوروش کبیر در ۵۵۰ سال قبل از میلاد منقرض شد و جای خود را به هخامنشیان داد تا ایرانیان طعم خوش آزادی و دموکراسی را به عنوان اولین انسان های روی زمین بچشند حکومت هخامنشیان از سنه ۵۵۸ تا ۳۳۰ قبل از میلاد به مدت ۲۲۸ سال ادامه داشت تا اینکه داریوش سوم بدست مقدونیان به قتل رسید و

۸۰ سال کشور پهناور ایران بدون سرپرستی از جنس خودشان روزگار گذراند تا اینکه با جلوس اشک اول در سال ۲۵۰ قبل از میلاد و تاسیس دولت پارتها ملت ایران هویت خود را با استقرار حکومت اشکانیان باز یافت و سلوکیان (جانشینان اسکندر) نیز این حکومت را به رسمیت شناختند اما با خیانت کاراکالا به اردوان پنجم پایه های حکومت اشکانیان سست شد و در این میان اردشیر بابکان با تشکیل حکومت ساسانیان در سنه ۲۲۴ بعد از میلاد مانع از اشغال مجدد کشور بدست بیگانگان شد حکومت ساسانیان تا سنه ۶۳۶ بعد از میلاد یعنی به مدت ۴۱۲ سال ادامه داشت تا اینکه یزگرد در همین سال از اعراب در جنگ قادسیه شکست خورد این شکست ها ادامه یافت و در سنه ۶۵۱ میلادی با کشته شدن یزگرد حکومت ساسانیان هم منقرض گردید به این ترتیب دوران سیاه تاریخ ایران آغاز شد.

۲) **دوران سیاهی و کشمکش**: با شکست ایران در قادسیه از اعراب تازه بدوران رسیده خونبار ترین دوران حیات ایرانیان آغاز میگردد بازار خیانت رونق گرفته و سلمان فارسی ها که در خدمتگزاری به اعراب شهره عام و خاصند در تغییر فرهنگ ایران اهتمام میورزند تا هیچ ایرانی نتواند به زبان اولیه مادری تکلم نماید و یا از استیلا و تمامیت ارضی وطن سخنی به میان آورد. (ملاحظه میکنید که بیشتر واژه هایی که بکار میبرم عربی است) از این تاریخ به بعد بجای تاریخ میلادی پای تاریخ هجری به میان میاید مثلا گفته میشود از سنه ۴۱ تا ۱۳۲ هجری امویان در ایران حکومت کردند و یا

اسامی ایرانیان از کوروش - داریوش - خشایار - اردشیر - اشک - تیرداد -
مهرداد - فرهاد - بلاش - اردوان - پوراندهخت - پروین - پریسا - پروانه -
پری رخ - بابک - شاپور - نرسی - بهرام - قباد - انوشیروان - خسرو - پرویز
وشیرویه به فاطمه - سکینه - صغری - کبری - زهرا - خدیجه - سلیمان -
ولید - یاسر - محمد - منصور - ابراهیم - احمد و خواجه عبدالفلان تغییر
میکند در واقع اعراب علاوه بر تسخیر ایران موفق میشوند فرهنگ
خود رانیز به ایرانیان تحمیل کنند.

برمیگردیم به مصیبت تاریخی ایران:

بعد از ساسانیان امویان به سرکردگی معاویه ایران را اشغال میکنند در
واقع باز هم ابوسفیان از محمد موفق تر عمل میکند و نشان میدهد به
مراتب از پسر عموی خود با هوش تر بوده است اما جنگ بین این دو
طایفه تمامی نداشت و دوستداران محمد که از خاندان عباس بودند
مروان آخرین خلیفه امویان را شکست داده زمام حکومت بر ایران را با
تاسیس حکومت عباسیان بدست میگیرند برخی از ایرانیان که شیفته
اعتقادات خرافی محمد شده بودند از خواب غفلت بیدار شده به یاد آزاد
سازی ایران از چنگال اعراب میافتند در این میان میتوان از کشته شدن
ابو مسلم خراسانی بدست منصور و کشته شدن سنباد و استاذسیس و
قیام بابک خرم دین یاد کرد ولی فریاد آنان در دوران جهالت ایرانیان کار
ساز نبود و اعراب به حکومت خود در سرزمین پهناور ایران ادامه دادند و
به این ترتیب بود که سر و کله امام و امامزاده ها پیدا شد. مامون از خلفای
عباسی که سرزمین ایران را همچون بهشت ذهنی محمد دوست داشت

از رضا امام هشتم شیعیان دعوت میکند تا در بهشت زندگی کند و او نیز ولیعهدی او را میپذیرد تا بعد از او خلیفه شود غافل از اینکه حکومت کردن بر ایرانیان انقدر شیرین است که پیروان اهل سنت محمد حاضر نیستند آنرا به غیر خودی ها و پیروان اهل تشیع بسپارند بنابراین رضا در بهشت و در کنار نهر و با زنان ایرانی آنقدر انگور بهشتی میخورد که از پای در میاید. در دوران عباسیان و بعد از آنان سرزمین مادریمان به ایرانستان مبدل میشود به این ترتیب که طاهر ذوالیمینین با الامین عباسی به نفع المامون عباسی نبرد میکند و مامون او را به حاکمیت خراسان منصوب مینماید و او در آن سرزمین سلسله طاهریان را میسازد و تا سنه ۲۵۹ هجری طاهریان در خراسان باقی میمانند تا بدست یعقوب لیث صفاری حکومت آنان منقرض میشود طاهر افغانی بود و جد او به نام ماهان برده اعراب بوده است. صفاریان نیز به سرکردگی یعقوب از سال ۲۵۹ هجری تا ۲۸۷ هجری در نواحی شرق ایران حکم میرانند از سوی دیگر و در دیار مازندران امروزین (طبرستان) حسن بن زید از سوی مردم همان خطه به سرداری طبرستان منصوب میشود و حکومت علویان را تشکیل میدهد او نیز مسلمان شده بود و در سال ۲۷۰ هجری فوت میکند به هر حال به حکمرانی علویان نیز در سال ۳۰۱ هجری بدست آل زیار خاتمه داده میشود و مرداویچ سلسله آل زیار را در طبرستان تاسیس مینماید و تا سنه ۳۲۳ هجری در آنجا حکومت میکند. در این ایام حکمرانی برخی از نواحی شرق ایران به سامانیان سپرده میشود که از سنی های افراطی بودند. به این ترتیب اداره مملکت

بدست اعراب و یا ایرانیان فرهنگ باخته ویا مسلمانان یعنی تسلیم شدگان فرهنگی میافتد به نحوی که ایرانی بودن آنها به زباله دان تاریخ میرود و ستیز های آنان با اجنبی محدود به نوع درک و فهم آنان از اسلام میشود دعوایی که هنوز هم در جامعه ایران خود نمایی میکند. پس از گذشت سالها اسارت و بمباران فرهنگی ایرانیان به سنت محمدی استحاله فرهنگی شده و مبتلا به از خود بیگانگی عمیق تا مرز فراموشی میشوند امام و امام زاده پرستی افتخار آنان میشود و زیارت مکه از واجبات دینی مردم تلقی میشود تا اینکه مغول ها میفهمند در سرزمین ایران نژادی از ایرانیان باقی نمانده که از حمله به آن تردیدی به خود راه دهند بنا براین چنگیز خان به ایران مصیبت زده یورش آورده و آنرا از دست اعراب ولی به نفع خود نجات میدهد در دوران مغول ها به حکومت عباسیان خاتمه داده شده و تخم رفسنحانی مغول هم کاشته میشود به نحوی که بعد از مرگ آخرین امیر این قبیله یعنی سلطان ابوسعید مملکت تجزیه میشودو تا ظهور تیمور لنگ بدست افراد مختلف اداره میگردد تیموریان نیز بر سر ملت ایران آن میاورند که دار و دسته خمینی آوردند. دوران کشت و کشتار بدست تیموریان تا سنه ۹۱۱ هجری یعنی ۱۲۸ سال ادامه می یابد در شمال غربی ایران هم قراقویونلو و آق قویونلو قبایلی از ترکان قفقاز حکومت میکردند به عبارت دیگر تیموریان و قفقازی ها در این ایام دین اسلام را به زباله دان تاریخ ریختند اما شاه اسماعیل صفوی پس از استیلا بر قفقاز تاجگذاری کرد و سلسله صفویه را پایه گذاری نمود سلسله ایی که خرافات در دین اسلام

را به حد متعالی خود و در خور اسلام رساند در طول ۲۲۸ سال حکومت صفویه اسلام بازسازی شد و سینه زنی ها به راه افتاد و زنان با پوشش اسلامی به فحشا و اجابت صیغه تن دادند تا اینکه یکی از سرداران سپاه صفویه نادر قلی به سبک رضا شاه حکومت را از دست صفویه خارج و افشاریه را بنا نهاد ولی عمر اولین حکومت ایرانی بر ایران زیاد دوام نیافت و زندیه زمام امور مملکت را بدست گرفت در حالیکه علیمردان خان قاجار نیز در کنار او مدعی حکومت بر ایران بود به همین علت بالاخره آقامحمد خان قاجار بعد از فوت کریم خان از شیراز گریخت و با ارام کردن ایران در سنه ۱۲۰۰ هجری تاج شاهنشاهی را بر سر نهاد این طایفه نیز مسلمان بودند ولی در حد صفویه بر مردم فشار پذیرش اسلام نیاوردند بعد از ۱۰۵ سال حکومت بر ایران هیچ اثر مثبتی از اینان به جای نماند تا اینکه تاریخ فرزندی صمیمی و وطن دوست و ملی به ایران عطا کرد بله رضا شاه که با درباریان و روحانیون آشنایی کاملی پیدا کرده بود بدرستی تشخیص داد که بدبختی ملت ایران از این دو گروه سرچشمه گرفته پس در لباس سرباز به ایران و ایرانی خدمت کرد و پس از نمایش توانمندی و شایسته سالاری خود از مجلس رای تشکیل حکومت پهلوی را گرفت او با کودتا شاه نشد در سال ۱۲۹۹ از فرصتی که آخوند های انگلیسی برایش فراهم کردند برای اخراج روس ها استفاده کرد و در سال ۱۳۰۴ شمسی تاجگذاری کرد وی در دوران پادشاهی به آبادانی ایران مشغول شد پل های زیادی بنا کرد و دانشگاه تهران را ساخت اما اعمال او پیر استعمار را خوش نیامد و او را بدست

فرزند نا لایقش محمد رضا شاه از ایران بیرون کردند. رضا شاه به امام و امام زاده ها اعتقاد نداشت و بخوبی میدانست عقب ماندگی ایران از این افکار پوسیده سرچشمه گرفته به همین علت خلخالی بلافاصله بعد از استقرار حکومت اسلامی تصمیم به محو مقبره او گرفت.

برخی از مردم ما که از دیدگاه عقیدتی تسلیم افکار محمدی شده اند وقتی به امام زاده ای میرسند بدون آنکه بفهمند که از کی حمایت میکنند به سنگ قبر آنها احترام گذاشته و درون مقبره پول و اجناس گرانبها میریزند چون تمامی ملت امروز ایران یقینا ایرانی نیستند. در کشوری که از یک طرف فقط در پایتختش ۱۲ امام زاده به اسامی داود-سید ولی-عبدالعظیم-صالح - بی بی شهربانو - قاسم و قس علیهذا وجود دارد که با خمینی تعداد آنها به ۱۳ تن میرسد و امامزاده های زنده ایی چون خاتمی و خامنه ایی و شاهرودی و امثالهم که همگی امامه مشگی هستند بر آنها حکومت میکنند و از سوی دیگر سالها توسط اعراب و مغول وانگلیس و روسها تغییر ژنتیکی داده اند چرا نباید انتظار داشته باشید که ۲۵ میلیون از ساکنین امروز ایران امام زاده های زنده را پرستش نکنند؟! این سرزمین هنوز هم سرزمین ایران است ولی تخمی که در آن کاشته شده تماما ایرانی نیست پس بیایید باور کنیم که آرای ملت واقعی است و راه مبارزه با اعراب اشغال گر چیز دیگری است.